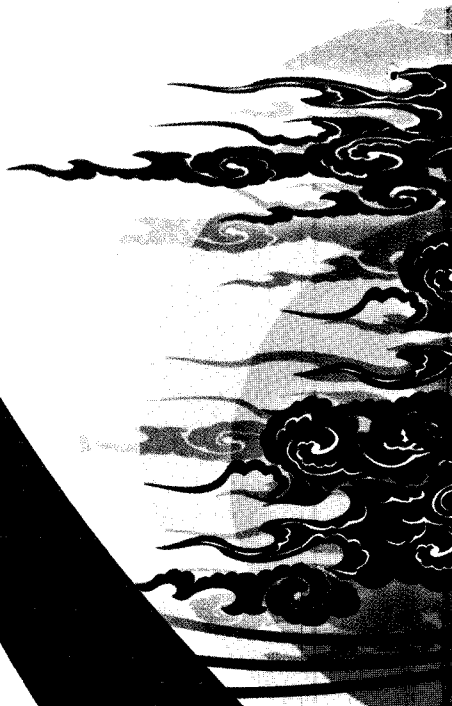
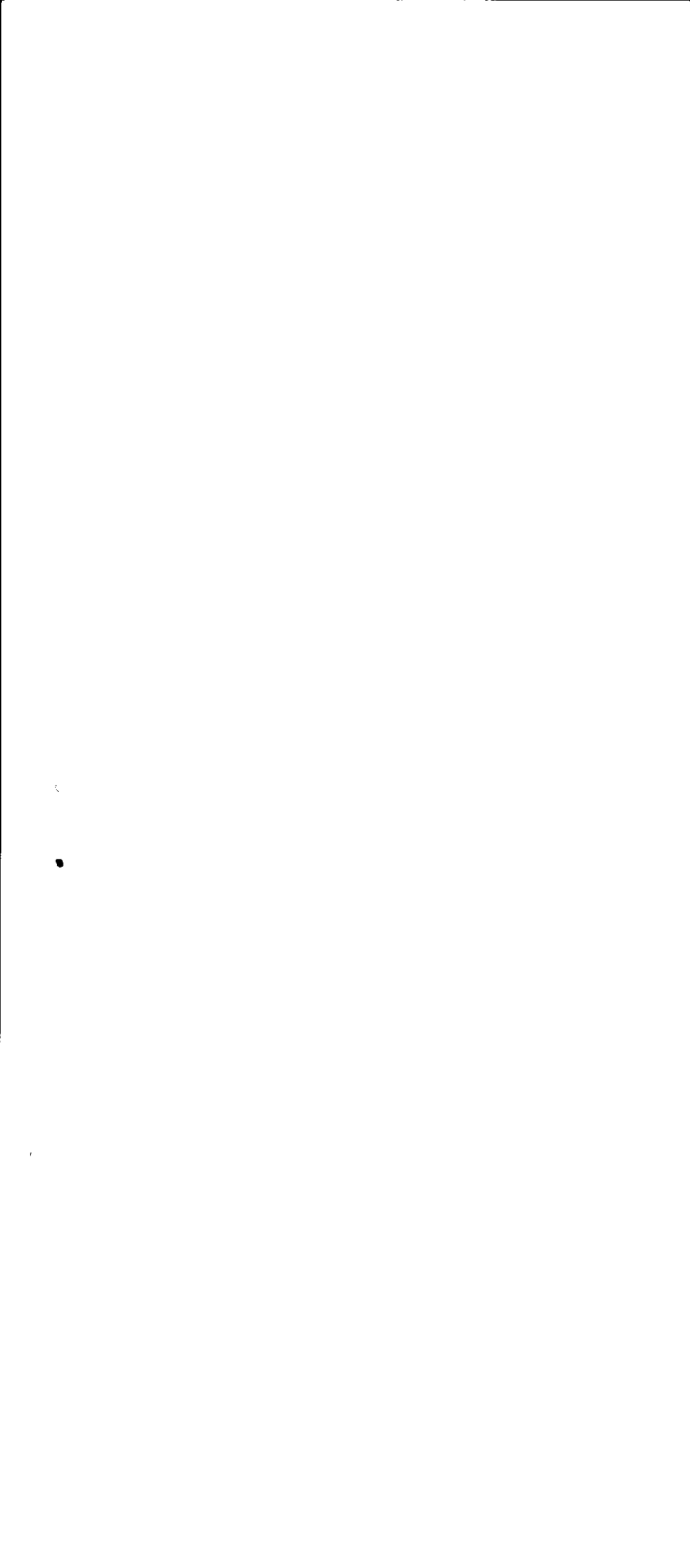


سوره  
الحکامه

متوسطه اول

(پایه نهم)





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# پسران آفتاب

(۳)

گروه سروها

تهیه و تنظیم

اداره کل قرآن، عترت و نماز

ستاد اقامه‌ی نماز وزارت آموزش و پرورش

سرشناسه	: اداره کل قرآن، عترت و نماز معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش
عنوان و نام پدیدآور	: پسران آفتاب گروه سروها
مشخصات نشر	: (به سفارش) ستاد اقامه نماز وزارت آموزش و پرورش.
مشخصات ظاهری	: موسسه فرهنگی منادی تربیت
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۳۹۰-۱۲۵-۴
وضعیت فهرست نویسی: فیبا	: ۹۶ص.
یادداشت	: این کتاب قبلاً در سالهای مختلف توسط ناشرین متفاوت منتشر شده است.
یادداشت	: کتابنامه بصورت زیرنویس.
موضوع	: فقه جعفری - رساله عملیه - ادبیات نوجوانان.
موضوع	: پسران - وضع حقوقی و قوانین (فقه).
شناسه افزوده	: ایران، وزارت آموزش و پرورش. ستاد اقامه نماز.
رده بندی کنگره	: ۵۳ پ ۳۶ / ح ۳۶ / ۱۸۳ / ۹ / BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷ / ۳۴۲۲ (ج)
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۶-۲۹۳۲۸ م



پسران آفتاب  
گروه سروها

تهیه و تنظیم: اداره کل قرآن، عترت و نماز معاونت پرورشی  
وزارت آموزش و پرورش

ناشر: موسسه فرهنگی منادی تربیت

چاپ دوم: ۱۳۹۵

لیتوگرافی، چاپخانه و صحافی: دقت

تیراژ: ۱۰۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۹۰-۱۲۵-۴

ISBN 978-600-390-125-4

Email: info@monadi.org

WWW.monadi.org

تهران. خیابان استاد نجات‌الهی. بین چهارراه سمیه و طالقانی.

کوپه بیمه. پلاک ۲۶

تلفن فروشگاه: ۸۸۹۳۱۸۵۲

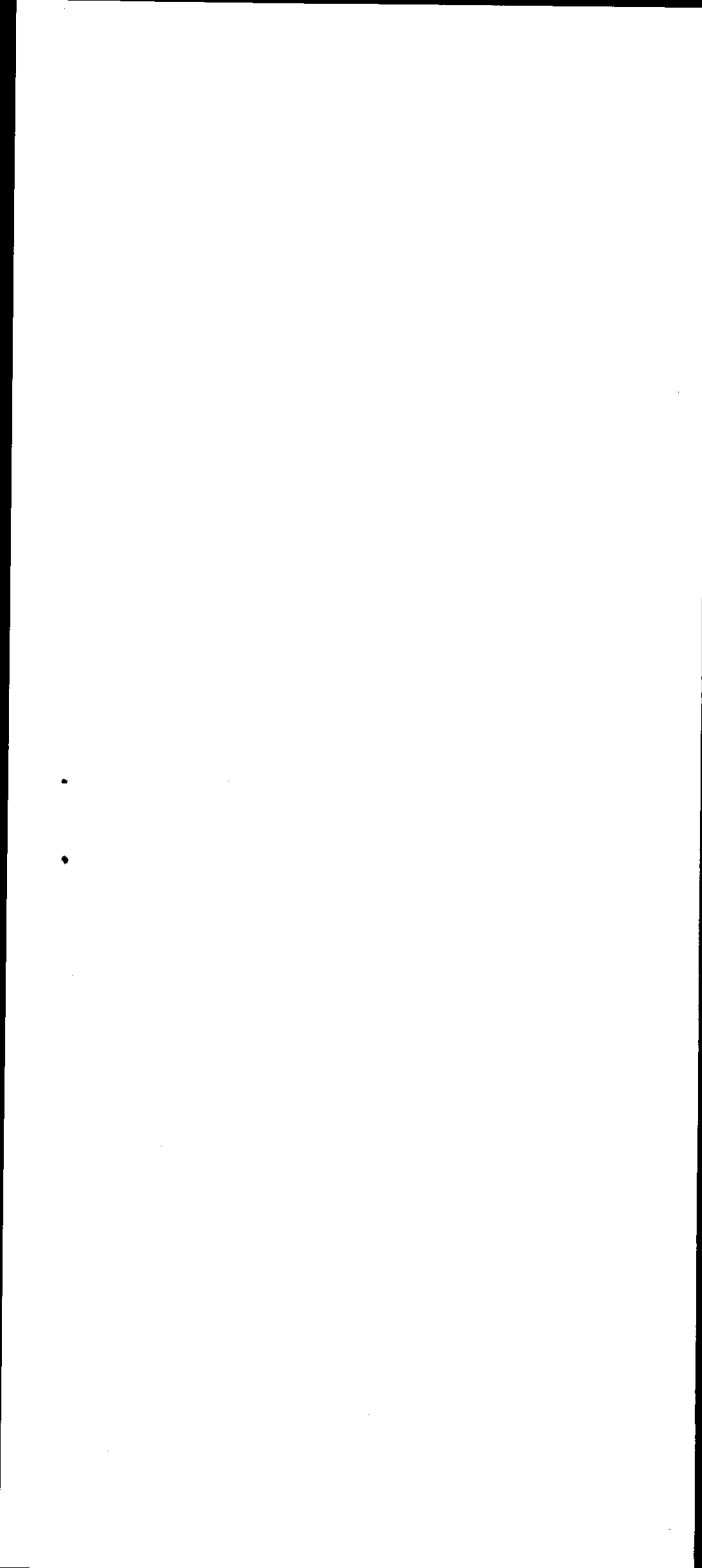
تلفن پخش: ۸۸۸۹۴۲۹۲

نمبر: ۸۸۸۹۴۲۹۰

قیمت: ۱۶۵۰۰ ریال

## فهرست

۵	..... سخنی با اولیا و مربیان
۸	..... نگاه سبز!
۹	..... آهنگ حرکت
۱۲	..... جشن و شادمانی
۱۶	..... فصل شکوفایی
۲۳	..... در اندیشه‌ی راهنما
۲۸	..... بر پلکان نیایش
۳۶	..... شکوه جماعت
۴۵	..... بهار معنویت
۵۱	..... در کوی دوست!
۵۶	..... آن سوی پوشش و آراستگی
۶۰	..... راز سلامت قلب
۶۹	..... فرهنگ ارتباط
۷۶	..... در این عصر و زمانه
۸۱	..... آیین شادمانی
۸۷	..... در محافل انس
۹۳	..... منابع کتاب
۹۶	..... بر ساحل سپاس!



## سخنی با اولیا و مربیان

این نوجوانان که به زندگی ما شور و نشاط می‌بخشند

می‌خواهند راه خوب و زیبا زیستن را بشناسند  
آماده‌اند در دریای توفان خیز زندگی شنا کنند  
تا به ساحل کامیابی و کرانه‌های سبز رستگاری  
برسند.

• آنان دوست دارند، به تمام این هدف‌ها دست  
یابند و در این راه، هدایت‌ها و راهنمایی‌های شما را  
با آغوشی باز پذیرا خواهند بود.

کتاب «پسران آفتاب» نیز برگه‌ای از دفتر آفتاب  
است و امید دارد که نوجوانان خوب کشورمان را به  
روشنای احکام و رهنمودهای اسلام، رهبری کند و  
در این مسیر مقدس با آنان همدل و همراه باشد.  
در طلوعه‌ی کتاب، توجه شما سروران گرامی را به  
چند نکته جلب می‌کنیم:

۱. نوجوانان ما اغلب در همین سال تحصیلی،  
بالغ و مکلف می‌شوند و احتمال دارد که برخی از  
آنها بالغ و مکلف شده باشند. امید است، آنان را با

مسأله‌ی تقلید آشنا کرده و در تعیین مرجع تقلید راهنمای آنان باشید.

۲. مطالبی که در کتاب می‌آید مطالبی است که غالباً مراجع عظام تقلید درباره‌ی آن‌ها نظر مشترکی دارند، ولی برای اطمینان کامل شایسته است که نوجوانان با کمک و یاری شما مطالب کتاب را با نظر مرجع تقلید خود تطبیق دهند.

۳. پرسش‌های پایانی که در برخی قسمت‌ها مشاهده می‌شود برای کسانی است که به تحقیق علاقه دارند و دوست دارند، مطالب بیش‌تری فرا بگیرند.

۴. در هیچ یک از مراحل مسابقات احکام از پرسش‌هایی که پاسخ آن‌ها در کتاب نیامده است، پرسشی نخواهد آمد.

۵. گام کوتاه پیش‌رو برآمده از نظرهای برگزیدگان مسابقات کشوری احکام و همچنین وام‌دار پیشنهادها و راهنمایی‌های متخصصان و دست‌اندرکاران عرصه‌ی تعلیم و تربیت است.

بدیهی است رشد و بالندگی آن نیز در گرو راهنمایی‌ها و پیشنهادهای همه‌ی اولیا، مربیان، دانش‌آموزان، کارشناسان و دلسوزان جامعه خواهد بود.

شما می‌توانید نظرها و پیشنهادهای خود را برای ما به نشانی زیر ارسال فرمایید:



نشانی: تهران، خیابان شهید قرنی، نرسیده  
به چهارراه سمیه، ساختمان مرکزی وزارت  
آموزش و پرورش، طبقه دوم، ستاد اقامه  
نماز.

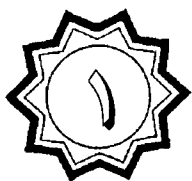
تلفن: ۸۲۲۸۴۰۱۳

۶. دانش‌آموزان عزیز می‌توانند با حلّ  
پرسش‌های کتاب، بیان نقاط قوت و ضعف  
کتاب، طرح مسائل مورد نیاز خود و سایر  
پیشنهادها و نظرها ما را همراهی کنند.

بانشاط و شادکام باشید!

### نگاه سبز!

باغ پر است از سروهای سبز و سِتَبَر،  
سروهای قد افراشته و سربلند  
و پیش پای سروها  
جاده‌ای سبز در سبزست که تا دوردست‌ها  
کشیده شده  
و افق، آبی است.  
و باغبان غرق در اندیشه ایستاده  
و به دوردست‌ها می‌نگرد!



## آهنگ حرکت

سروها می خندند.  
سروها، شاداب و پر نشاطند.  
سروها، سبز و باصفایند.  
سروها، قدکشیده و بالیده‌اند.  
سروها، استوار و راست قامتند.  
سروها، سر به سوی آسمان می‌سایند.  
سروها، استوار، مقاوم و پا بر جا هستند.  
سروها، شادمانه سرودِ سپاس می‌خوانند  
فصل شادباش و شادمانی است.  
فصل، فصل بلوغ سروهاست  
و بلوغ، فصل شکوفایی است.  
و بلوغ، فصل رشد و بالندگی است.  
و سروهای بالغ، چشم به بالا گشوده‌اند،  
و می‌خواهند به آسمان برسند  
سروها، می‌خواهند از این پس از جویبار آگاهی،  
آب بنوشند  
و در سرزمین آزادی و انتخاب، ریشه بدوانند.

فصل، فصل نیاز است؛

نیاز به راهنما

راهنمایی که همه چیز را بداند؛

نقطه‌ی آغازین حرکت، مسیر حرکت و نقطه‌ی

پایانی حرکت،

پیچ و خم‌ها و فراز و نشیب‌ها.

فصل، فصل «تکلیف» است.

تکلیف، یعنی حرکت آزدانه و آگاهانه، نه

خودکامانه و نه اجبارانه.

تکلیف، یعنی عبور از جاده، نه از بیراهه،

و تکلیف یعنی، صعود نه سقوط.





## جشن و شادمانی

موهایش را شانه می‌زند.  
لباس‌های تمیز و پاکیزه‌ی خود را می‌پوشد.  
خود را خوش‌بو و معطر می‌کند.  
بار دیگر جلوی آینه می‌رود و به چهره‌ی خود،  
خیره می‌شود.

گونه‌هایش از شادمانی گل انداخته است.  
کمی راه می‌رود و به قد و قامت خود می‌نگرد.  
انگار بزرگ شده است.  
واقعاً هم بزرگ شده است.  
زیر لب خدا را به پاس این نعمت سپاس می‌گوید.



شیشه‌ی عطر کوچک خود را در می‌آورد و به  
دوستانش تعارف می‌کند.

فضا، لبریز از صفا و صمیمیت است.  
همه به حرف‌های شیرین مربی گوش می‌دهند:

امروز، روز تولد شماست، تولدی دیگر، تولدی

معنوی.

از امروز شما شایستگی آن را می‌یابید که خدای بزرگ به شما فرمان دهد، به شما مسئولیت بدهد و از شما دربارهی آن بازخواست کند؛ همان‌گونه که با پیامبران، امامان و انسان‌های بزرگ چنین می‌کرد. از امروز باید به خود ببالیم که بزرگ شده‌ایم.

امروز، زیباترین روز زندگی ماست!

امروز، روزی است که لباس پر افتخار «تکلیف» بر اندام رعناى شما پوشانیده می‌شود؛

لباسی که مایه‌ی افتخار ما در جهان می‌شود؛

لباسی زیبا و پر بها!

تکلیف الهی به اندازه‌ی طاقت و توان ما و برای رشد و بالندگی ماست.

اگر تکلیف نشانه‌ی تحقیر بود، خداوند هرگز پیامبران و امامان را مکلف نمی‌کرد.

تکلیف، گرامی داشت است، بزرگ داشت است.

امروز که روز آغازین تکلیف شماست، روز جشن و شادمانی شما و همه‌ی ماست.

تکلیف نمی‌آید تا با عقل و خرد در افتد و آن را از بین ببرد.

تکلیف می‌آید تا عقل ما را شکوفا و بالنده کند.

تکلیف، امانتی از سوی خدا بر ما آدمیان است؛

امانتی که بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه شد.

و آن‌ها با آن همه عظمت و بزرگی، توان پذیرش

آن را نداشتند،

و این ما آدمیان هستیم که آن را با آغوش باز پذیرفتیم؛ چرا که خداوند استعداد و توانایی پذیرش آن را فقط به ما انسان‌ها عطا کرده است.

### سیب‌های سرخ!

از آسمان، طَبَق طَبَق، سیب سرخ برایمان آورده‌اند.

سیب‌های سرخ تکلیف را می‌بوییم، و آن‌ها را می‌خوریم. سرشار از نشاط و شادابی می‌شویم، قلبمان پاک و با صفا می‌شود.

چشمانمان ژرف‌نگر و گوش‌هایمان پر از آوازِ حقیقت می‌شود

و با شادکامی به دوستانمان می‌گوییم:

بفرمایید سیب سرخ!







## فصل شکوفایی

پدرم، بهترین پدر دنیا است.  
هر چه دارم، از راهنمایی‌های اوست.  
درختان پر از شکوفه‌های سرخ و سفید بودند،  
و من هم در بهار رشد و شکوفایی.  
روزی پدرم مرا به باغ پر شکوفه‌ای برد.  
آن جا قدم می‌زدیم، می‌گفتیم و می‌خندیدیم.  
آن روز پدرم درباره‌ی بلوغ با من سخن می‌گفت.  
می‌گفت، بلوغ یعنی شکفتن!  
بلوغ، یعنی سر بر آوردن و به پیرامون خود  
نگریستن.

می‌گفت غنچه تا غنچه است، در دنیای خودش  
فرو رفته است، اما همین که می‌شکفت، چشمانش را  
می‌گشاید و به اطراف خود می‌نگرد.  
بلوغ، زمان بیداری است.  
نوجوان بالغ مانند خفته‌ای است که تازه از خواب  
بیدار شده؛ کم‌کم همه چیز را می‌بیند، می‌شنود،  
می‌فهمد و سپس حرکت می‌کند و ...

درست در همین زمان است که جسم او نیز تغییرات چشمگیری می‌یابد؛

بلند شدن قامت، ازدیاد کوزن، رشد سریع استخوان‌ها و ماهیچه‌ها، رشد اعضای داخلی بدن، روپیدن مو در صورت و دورگه شدن صدا.

این‌ها برخی از نشانه‌های بلوغ جسمی و جنسی است.

اما دو نشانه‌ی دیگر هست که جزو نشانه‌های بلوغ جسمی و جنسی هستند و نشانه‌ی رسیدن به تکلیف و واجب شدن احکام الهی بر آدمی نیز به شمار می‌آیند.

یکی این که پایین شکم و بالای دستگاه تناسلی آدم، موی زبر و خشن می‌روید، دیگر این که از دستگاه تناسلی آدم مایعی به نام «منی» خارج می‌شود که به این حالت احتلام می‌گویند.

باید بدانیم احتلام در خواب برای آدم پیش می‌آید و این امری طبیعی و موجب اعتدال جسمی و روحی ماست.

البته زمان اتفاق افتادن آن و هم چنین دفعات آن در آدم‌ها متفاوت است. وقتی این حالت برای ما پیش می‌آید، واجب است که برای خواندن نماز یا دست کشیدن روی خط‌های قرآن و یا رفتن به مسجد غسل کنیم؛ غسل «جنابت».

غسل جنابت مثل غسل جمعه است فقط نیت آن

فرق می‌کند.

باید بدانیم این حالت یکی از نشانه‌های لطف پروردگار به ماست؛ چرا که نشانی از ورود ما به دنیای بزرگسالی است.

قدر این نعمت را بدانیم و از کارهایی که موجب تحریک غریزه‌ی جنسی می‌شوند، بپرهیزیم. نگاه آلوده به نامحرم، نگاه شهوانی به عکس‌ها و فیلم‌ها، خواندن مطالب شهوت آلود و تحریک‌کننده و هر کاری که غریزه‌ی جنسی ما را تحریک کند، گناه دارد

و اگر کسی از این طریق یا هر راه دیگری خود را «جُنُب» کند - یعنی کاری کند که منی از او بیرون بیاید - مرتکب گناه شده و هر چه زودتر باید توبه کند - و از این کارها دست بردارد.

پدرم می‌گفت: «و نباید پای سخنان دوستان آلوده بنشینیم، چرا که قلب پاک و با صفای ما را کدر می‌کنند و ما را به آلودگی‌ها گرایش می‌دهند.»

پدرم می‌گفت: «و رسیدن به تکلیف، یک نشانه‌ی دیگر هم دارد و آن پایان یافتن پانزده سال قمری است و چون هر سال قمری ۱۰ روز و ۱۸ ساعت کم‌تر از سال شمسی است، نوجوانی که ۱۴ سال و ۶ ماه و ۱۸ روز داشته باشد تقریباً به سن تکلیف گام گذاشته است.»

پدرم می‌گفت: «لازم نیست هر سه نشانه در ما

باشد تا به تکلیف برسیم، همین که یکی از این سه  
نشانه در ما پیدا شد، «مکلف» شده‌ایم.

وقتی مکلف هستیم، یعنی واجب است که به  
تکالیف الهی عمل کنیم.

ما به دنیای تازه‌ای وارد می‌شویم، پس چه  
زیباست تا می‌توانیم این دعای قرآنی را تکرار کنیم.

رَبِّ اَدْخِلْنِيْ مَدْخَلَ صِدْقٍ وَّ اَخْرِجْنِيْ مَخْرَجِ صِدْقٍ وَّ  
اجْعَلْ لِّيْ مِنْ لَّدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا!

«پروردگارا، مرا [در هر کاری] به شیوهی درست

داخل کن و به شیوهی درست خارج ساز.

و از جانب خود برای من تسلطی یاری بخش قرار

«۵۵»

### بزرگداشتِ بلوغ و تکلیف

سیدبن طاووس، آن دانشمند بزرگ و پارسا  
درباره‌ی بلوغ و تکلیف به پسرش چنین خطاب  
می‌کند:

فرزندم محمدا!

روز بلوغ خود را به خاطر بسیار و آن را برای  
همیشه گرامی بدار و هر سال در چنین روزی در راه  
خدا صدقه بده، اطعام کن و شکر خدای را به جای  
آور که به تو توفیقِ بزرگِ تشریف به بارگاهش را عنایت  
فرموده است...

فرزندم، برای چنین روزی جامه‌ی سفید و  
تمیزی بر تن کن و خود را برای عبادت پروردگار  
آماده کن!

### بیش تر بدانیم

با برخی از نجس‌ها و ناپاکی‌ها آشنا هستیم، یکی دیگر از آن‌ها «منی» است.

منی انسان و حیواناتی که خون جهنده دارند، نجس است. بنابراین وقتی در خواب، محتمل شدیم یعنی منی از ما بیرون آمد قسمت‌هایی از بدن و لباس ماکه منی به آن رسیده، نجس است و باید آن را بشوییم تا پاک شود.

مامی توانیم خودمان قسمتی از لباسمان را که آلوده شده است بشوییم تا لکه‌ی آن از بین برود. آن‌گاه اگر نیازی بود، لباس را به مادر یا خواهر خود برای شستشو تحویل دهیم. تا می‌توانیم از تحویل لباس آلوده به آنان پرهیز کنیم!

برای غسل کردن هم شرم و حیای بی‌جا را کنار بگذاریم و در هر شرایطی که هستیم به این وظیفه عمل کنیم. این نشانه‌ی بزرگی ماست، شرم و خجالت ندارد.

### تحقیق

با مراجعه به رساله و استفتائات مرجع تقلید خود، به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۱. آیا کسی که غسل جنابت را انجام داده، باید برای خواندن نماز، وضو هم بگیرد یا خیر؟
۲. آیا کسی که غسل دیگری (غیر از غسل جنابت) انجام داده، باید برای خواندن نماز، وضو هم بگیرد یا خیر؟

۳. آیا می‌توان چند نوع غسل را با یک غسل انجام داد؟ (مثلاً غسل جمعه، غسل زیارت، غسل جنابت و غسل میت را با هم نیت کنیم و یک بار غسل کنیم.)





## در اندیشه‌ی راهنما

وقتی می‌خواهد لباسی مناسب و زیبا بدوزد،  
سراغ خیاط ماهر می‌رود.

وقتی می‌خواهد خانه‌ای محکم و با شکوه بسازد،  
به سراغ مهندس و یا معمار با تجربه‌ای می‌رود  
و وقتی بیمار است، به سراغ یک پزشک  
متخصص می‌رود.

شاید کسی گمان کند، که این شیوه، شیوه‌ی  
عاقلان و خردمندان نیست که در کارها به این و آن  
مراجعه کنیم.

ولی نه، عاقلان و خردمندان برای انجام هر  
کاری، به سراغ متخصص و کارشناس آن رشته  
می‌روند.

حالا با هم بیندیشیم: اگر او خودش آن کارها را  
بدون تخصص و مهارت انجام می‌داد و یا به سراغ  
آدم‌های ناشی و غیر متخصص می‌رفت، به خطا و  
بی‌راهه نمی‌رفت؟!

مورد دین هم کمتر از دوختن یک لباس، ساختن

خانه و بنا و درمان یک بیماری نیست.

در امر دین نیز یا باید خودمان متخصص و کارشناس باشیم و یا نزد متخصص و کارشناس این رشته برویم.

اگر بخواهیم خودمان متخصص و کارشناس شویم، می‌توانیم به حوزه‌ی علمیه برویم تا پس از سال‌ها درس و تحقیق و تلاش، به یاری خدا به این افتخار بزرگ نایل شویم. می‌توانیم این کار را پس از پایان مقطع راهنمایی انجام بدهیم؛

ولی همه‌ی کسانی که متخصص و کارشناس این رشته نشده‌اند، باید به «مرجع تقلید» مراجعه کنند.

«مرجع تقلید» کسی است که شرایط لازم را برای این مسئولیت داشته باشد.

مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. مجتهد باشد؛ یعنی به درجه‌ای از دانش رسیده باشد که بتواند احکام الهی را از منابع دین به دست آورد.

۲. اعلم باشد؛ یعنی از سایر مجتهدان، داناتر و ورزیده‌تر باشد.

۳. عادل باشد؛ یعنی اهل گناه نباشد؛ گناه بزرگ انجام ندهد و از تکرار گناهان کوچک نیز پرهیزد.

۴. زنده باشد؛ بنابراین نمی‌توان به مجتهدی که از دنیا رفته مراجعه کرد.

۵. شیعه باشد و به امامت دوازده امام معصوم اعتقاد داشته باشد.



مرجع تقلید، احکام دینی را در کتابی به نام «رساله‌ی توضیح المسائل» می‌نویسد.

اگر پرسشی برای کسی پیش بیاید که پاسخ آن در رساله نباشد، می‌تواند آن را بنویسد و پاسخ آن را از دفتر مرجع تقلید دریافت کند.

معمولاً پرسش‌هایی را که تا کنون از مرجع تقلید شده، همراه با پاسخ‌هایشان در کتابی جداگانه به نام «استفتائات» منتشر می‌کنند تا همه بتوانند از آن‌ها استفاده کنند.

ما باید به یاری کسانی مانند: پدر و مادر، روحانی مسجد، مربی و معلم، مرجع تقلید خود را انتخاب کرده و در تمام مسائل دینی، به او و یا «رساله‌ی توضیح المسائل» همان مرجع، مراجعه کنیم.

### برداشت‌ها از تقلید

از گروهی از دانش‌آموزان مقطع راهنمایی پرسیده‌ایم از چه کسی تقلید می‌کنید؟  
بیش‌تر آن‌ها پاسخ صحیح داده‌اند، ولی برخی هم گفته‌اند:

- از پدر و مادرم
  - از مربیان ورزشی
  - از راهنمایان دینی
  - از روحانیانی که درست‌کارتر هستند
  - از اطرافیانم
  - از پسر عموی خودم که قاضی دادگاه است
  - از هر مجتهدی درست‌کاری که ببینم
- به نظر شما چرا این دوستان ما دچار اشتباه شده‌اند؟

آنان از تقلید چه برداشتی داشته‌اند؟

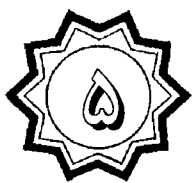
## شما و تقلید

● در چه تاریخی به سن بلوغ و تکلیف  
رسیده‌اید؟

روز / ماه / سال

● از چه کسی تقلید می‌کنید؟

● مرجع تقلید خود را با کمک چه کسی تعیین  
کرده‌اید؟



## بر پلکان نیایش

در بهارِ رستن شکوفه‌ها

به نماز ایستاده‌ایم و با تو راز می‌گوییم.

هدف از آفرینش ما عبادت و بندگی است؛

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ<sup>۱</sup>

«و جنّ و انس را نیافریدم جز برای آن که مرا

پرستند.»

و عبادتی هدف است که برخاسته از شناخت و

معرفت باشد.

نماز می‌خوانیم و بانماز تو را بیش از پیش

می‌شناسیم.

وقتی می‌گوییم «الله اکبر» می‌فهمیم که تو از

همه‌ی آفریده‌ها برتر و بالاتری، تو بزرگ‌تر از آنی که

در ذهن و خیال ما بگنجی.

□ وقتی می‌گوییم: «اشهد ان لا اله الا الله»، با

تمام وجود اعلام می‌کنیم که جز تو هیچ کس دیگری

شایسته‌ی پرستش نیست، چرا که دیگران هر چه

دارند، از تو دارند. همه‌ی قدرتمندان، دانشمندان و حکیمان - همه و همه - قدرت و دانش و حکمت و همه چیز خود را از تو گرفته‌اند.

□ وقتی می‌گوییم «اشهد ان محمدا رسول الله»، به همه اعلام می‌کنیم که خداشناسی جز از طریق «پیامبرشناسی» ممکن نیست.

□ و با «اشهد ان علیا ولی الله»، فریاد بر می‌آوریم که «امام‌شناسی»، کلید و شیوه‌ی پیامبرشناسی است. امامان معصوم، جانشینان پیامبر خدا و روشن‌کننده و بیان‌کننده‌ی راه او هستند.

آنان رهبرانی آسمانی هستند که هیچ‌گاه رهبری‌شان به پایان نمی‌رسد.

□ و با «حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ»، در می‌یابیم که پس از شناخت خدا، و پیامبر و امام، هیچ عملی برای رشد و کمال ما برتر و والاتر از نماز نیست.

□ و «حَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ»، به ما می‌گوید، مطمئن باشید که رستگاری و پیروزی در گرو ارتباط با نماز است.

□ و «حَتَّى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ»، به ما اطمینان می‌دهد که نماز حتی از جهاد در راه خدا هم برتر و بالاتر است، چرا که این نماز است که ما را به جهاد با دشمن و به شهادت در راه خدا فرامی‌خواند.<sup>۱</sup>

---

۱- برای آشنایی بیشتر با معانی اذان، به کتاب: «پنجره‌ای به زیبایی»، مراجعه کنید.

□ و چون سوره‌ی حمد را می‌خوانیم، در می‌یابیم که سپاس و ستایش، فقط و فقط زیبنده‌ی خداست، چراکه او پرورش دهنده‌ی همه‌ی آفریده‌هاست. خدایا، اگر دانه‌ای از خاک می‌روید، اگر غنچه‌ای می‌شکفتد، اگر شکوفه‌ای میوه می‌دهد، اگر کودکی بالغ می‌شود و اگر و اگر... همه و همه به دست توست. و همه‌ی خوبی‌ها و همه‌ی زیبایی‌ها از توست!

و چون سوره‌ی توحید را می‌خوانیم، یقین می‌کنیم که تو یکتا و بی‌همتایی، همه‌ی آفریده‌ها را تو آفریده‌ای، اما تو، مخلوق و آفریده‌ی کس دیگری نیستی!

اگر آفریده‌ها چون هیچ چیزشان مال خودشان نیست نیاز به آفریننده دارند، ولی تو دارای تمام کمال‌ها، خوبی‌ها و زیبایی‌ها هستی. هیچ نقص و کمبودی نداری تا نیاز به کس دیگری داشته باشی؛ از همین رو تو آفریننده‌ی همه هستی، ولی خود، آفریده‌ی کسی نیستی.

و چون «حمد» و «سوره» می‌خوانیم، مطمئن می‌شویم که برای رسیدن به کامیابی باید با قرآن در ارتباط باشیم، آیات آن را تلاوت کنیم، معانی آن‌ها را بفهمیم و به آن‌ها عمل کنیم.

□ و چون به «رکوع» می‌رویم، در برابر عظمت بیکران تو خم می‌شویم، سر تعظیم فرود می‌آوریم



و تو را از هر عیب و نقص منزّه می‌شماریم.

□ و چون به «سجده» می‌رویم، می‌فهمیم که ما هیچ‌هیچ و تو آفریننده‌ی همه چیز! تو بودی که به ما دست، پا، قلب، عقل و حواس پنج‌گانه - و از همه بالاتر - به ما روح دادی.

سروری، آقایی و خوشبختی ما، همه، در سایه‌ی بندگی و خاکساری ما در پیشگاه تو معنی پیدا می‌کند.

□ و در تشهد می‌فهمیم، اگر حضرت محمد(ص)، به آن همه عظمت و بزرگی نایل آمد، در پرتو عبودیت و بندگی بود و همین راه به روی همه‌ی ما هم باز است.

- □ و وقتی «سلام» نماز را می‌گوییم، می‌فهمیم که پیامبر اسلام - که برترین انسان‌هاست - و بندگان صالح و شایسته و نمازگزاران و سایر مؤمنان - همه - هر چه دارند، از سفره‌ی رحمت و برکت الهی دارند. بنابراین وقتی هر چه داریم از خداست، دیگر خود بزرگ‌بینی و غرور و تکبر بی‌معناست؛ باید فروتن باشیم، به دیگران سلام کنیم و از زندگی ما، آهنگی جز صلح و صفا به گوش نیاید.

وقتی صبح و ظهر و شام ما، این‌گونه با نماز، عطرآگین می‌شود، کم‌کم آدم‌هایی آزاده، شجاع، منظم، پاک، پیراسته، فروتن و بزرگواری می‌شویم و همه‌ی ویژگی‌ها و برجستگی‌های انسان‌های بزرگ

در ما پدیدار می‌شود.

این نماز است که ما را از زشتی‌ها، پلیدی‌ها و فرومایگی‌ها باز می‌دارد؛ این نماز است که ما را به فروتنی فرا می‌خواند؛ «فروتنی»، نه «فرومایگی»؛ زیرا این زشتی‌ها و پلیدی‌ها هستند که ما را پست و فرومایه می‌کنند.

در حقیقت، زمانی که ما عظمت خدا و ارزش‌های خود را فراموش می‌کنیم، دنبال گناه می‌رویم و نماز، ما را از این فراموشی و غفلت، نجات می‌دهد.

## زیبایی‌های نماز

خوش‌تر آن باشد که سیر دلبران

گفته آید در حدیث دیگران

این فقط ما نیستیم که نماز را زیبا می‌بینیم،

برخی از بزرگان و دانشمندان خارجی نیز به برخی

زیبایی‌های نماز اشاره کرده‌اند:

□ دکتر دیل کارنگی، روان‌شناس و بنیانگذار

روابط انسانی در نیویورک که در جهان متمدن کنونی

در کار خود بی‌مانند است، می‌گوید:

«پزشکان روح (روان‌شناسان) دریافته‌اند که دعا،

و نماز و داشتن ایمانی محکم به دین، نگرانی،

تشویش، هیجان و ترس را که موجب بیش‌تر

ناخوشی‌های ماست، برطرف می‌کنند.»

□ سیرل برت، روان‌شناس انگلیسی می‌گوید:

«ما به واسطه‌ی نماز، می‌توانیم وارد انبار بزرگی از

نشاط عقلانی شویم که در شرایط عادی یارای وصول

بدان را نداریم.»

□ اپیکتتوس فیلسوف می‌گوید:

انسان همانند اکسیژن و آب به خدا نیاز دارد.<sup>۱</sup>

۱- به کتاب‌هایی مانند: «چرا نماز بخوانیم»، و «پرسش‌های نوجوانان و جوانان پیرامون نماز» مراجعه کنید.

### از نگاه شما

«نماز ما، نماز ما، سر آغاز بهاران است!»

شما تا کنون به کدام یک از زیبایی‌های نماز پی

برده‌اید؟ قلم بردارید و آن‌ها را بنویسید.

۱.

۲.

۳.

۴.

۵.

۶.

۷.

۸.

کن تکیه بر نماز که در شَطَّ حادثات

ایمن تو را ز موج بلا می‌کند نماز

## گامی به سوی زیبایی

برخاسته‌ایم تا «اذان» بگوییم.

آفرین به شما! شما در این راه تنها نیستید؛  
نوجوانانی که با عشق و شور فراوان و با نغمه‌هایی  
زیباتر از قناری، بلبل و چکاوک اذان می‌گویند،  
بسیارند.<sup>۱</sup>

اگر می‌خواهید به اذان‌گویان نوجوان کشورمان  
پیوندید، می‌توانید در مسابقات اذان ویژه‌ی دوره  
راهنمایی که همه ساله همزمان با مسابقات احکام  
برگزار می‌شود، شرکت کنید.

کتاب پنجره‌ای به زیبایی که ویژه‌ی مسابقات  
اذان است، پنجره‌ای به سوی زیبایی‌ها به روی شما  
می‌گشاید و شما را با دنیای شیرین اذان آشنا  
می‌کند.

چه زیباست که اذان را فرا بگیریم و با نغمه‌ای  
زیبا در خانه، مدرسه و مسجد اذان بگوییم، اذان،  
چهره‌ی دین ماست!

۱- قسمتی از متن کتاب پنجره‌ای به زیبایی (۱) ویژه‌ی دانش‌آموزان  
دوره‌ی راهنمایی.



## شکوه جماعت

نشسته‌ایم و به تصاویر دلنشین و زیبا می‌نگریم و  
آن‌ها را با هم مقایسه می‌کنیم.

تصویر یک گل تنها؛ گلی در میان گل‌های  
گلستان.

تصویر یک درخت تنها؛ درختی در میان درختان  
یک جنگل.

تصویر یک پرنده‌ی تنها؛ پرنده‌ای در جمع  
پرندهگان.

تصویرهای فراوانی را با هم می‌بینیم.  
منظره‌ی گل در گلستان، درخت در جنگل، پرنده  
در جمع پرندهگان و سایر تصویرهای جمعی و گروهی  
برایمان زیباتر و پر جاذبه‌تر است.  
حال، نگاهی به خود می‌اندازیم.

خود ما موجودی اجتماعی هستیم. وقتی تک و  
تنها و بریده از جمع و گروه هستیم، چندان پر جاذبه  
نیستیم، ولی وقتی در کنار دیگران قرار می‌گیریم پر  
جاذبه می‌شویم.

برخی برنامه‌های اسلام به گونه‌ای است که حتماً باید گروهی انجام شود، مانند مراسم با شکوه حج و نماز جمعه

و بسیاری از برنامه‌های دیگر که گرچه می‌توان آن‌ها را هم انفرادی و به تنهایی انجام داد و هم گروهی، ولی اسلام برای انجام گروهی آن‌ها، پاداش و عظمت بیش‌تری قائل شده است.

در روایات ما سفارش فراوان به جماعت شده است.

مانند این روایت: «يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ<sup>۱</sup>» (دست لطف خدا همراه جماعت است.)

و یا: «يَدُ اللَّهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ<sup>۲</sup>» (دست لطف خدا بر سر جماعت است.)

وقتی تشکیل گروه می‌دهیم، لطف و عنایت خداوند سرا پای وجود ما را فرا می‌گیرد. آدمی که تک و تنها و دور از اجتماع زندگی می‌کند، از بسیاری مسائل بی‌خبر می‌ماند، در مشکلات و سختی‌ها یار و یاورى ندارد، در پیروزی‌ها شریک شادی ندارد و زندگی بر او تنگ و دشوار می‌شود.

منظره‌ی اجتماع، جماعت و گروه، منظره‌ای بسیار متفاوت و تماشایی است. از باشکوه‌ترین نعمت‌های بهشت، اجتماع بهشتیان است.

۱ و ۲. میزان الحکمه، جلد ۱، صفحه‌ی ۴۰۶، حدیث ۲۴۳۳ و

دشمنان اسلام از جماعت، گروه و اجتماع ما هراسناک هستند و می‌خواهند به هر شکلی که می‌توانند، ما مسلمانان جهان را از هم جدا کنند.



اسلام سفارش فراوان کرده که نماز را به جماعت برگزار کنیم.

نماز، بیش‌ترین عبادتی است که وظیفه داریم، در طول سال انجام دهیم.

اگر ما شبانه روز سه بار نماز جماعت تشکیل دهیم، در یک ماه، نود جماعت و در یک سال بیش از هزار جماعت داریم.

وقتی به این دو رقم می‌نگریم، در می‌یابیم که اسلام تا چه اندازه به جماعت اهمیت داده است. با نماز جماعت، شکوه ما مسلمانان به نمایش گذاشته می‌شود و ما در چشم دیگران بزرگ و با عظمت جلوه می‌کنیم.

ما با نماز جماعت، وحدت، همدلی، هماهنگی، نظم، پیروی از رهبری یک فرد عادل و شایسته، و رده‌ها چیز دیگر را به نمایش می‌گذاریم.

با نماز جماعت، کینه‌ها و کدورت‌ها از جمع ما زدوده می‌شود و با هم دوست و رفیق می‌شویم.

عظمت جماعت تا بدان جاست که پیامبر خدا(ص) فرمودند:

«صف‌های جماعت همانند صفوف فرشتگان در



آسمان چهارم است.<sup>۱</sup>»

و وقتی جماعت با مسجد گره می خورد، عظمتی مضاعف و چند برابر می یابد.

امام خمینی (ره) معمار بزرگ انقلاب اسلامی، به نقش جماعت و مسجد به خوبی آگاه بودند و آن را سلاحی برنده و کارساز در مقابل دشمن می دانستند و در این باره می فرمایند:

«اگر در نماز کوتاهی بشود و هر کس بگوید خوب من خودم تنهایی می روم در خانه ام می خوانم، خیر، نماز را در جماعت بخوانید. اجتماع باید باشد. مساجد را پر کنید. این ها از مساجد می ترسند، این ها بیخ گوش شما می گویند که این آخوند که از او کاری نمی آید، مسجد می روید چه کنید؟ خودمان می رویم و فلان جا نماز می خوانیم. نماز نمی خواهند بخوانند، می خواهند نماز را بشکنند.<sup>۲</sup>»

۱- نقل از راز نماز، صفحه ی ۱۰۱.

۲- نقل از امام در سنگر نماز، صفحه ی ۱۳۸.

### جدول محاسبه‌ی نماز جماعت

■ جدولی مانند جدول صفحه بعد ترسیم کنید و مواردی را که موفق به برگزاری نماز جماعت می‌شوید، علامت بزنید. بکشید هر ماه بیش‌تر از ماه قبل در نماز جماعت شرکت کنید.



### شیوه اقتدا به امام جماعت

اگر امام جماعت در رکعت اول نماز بود و ما کمی

دیرتر رسیدیم به شیوه‌ی زیر عمل می‌کنیم:

۱. اگر امام جماعت مشغول خواندن حمد و سوره

است، ما نیت می‌کنیم، «تکبیرة الاحرام» را می‌گوییم

و همراه دیگران بقیه‌ی نماز را به جماعت برگزار

می‌کنیم.

۲. اگر امام جماعت در رکوع است، ما نیت

می‌کنیم، «تکبیرة الاحرام» می‌گوییم و به رکوع

می‌رویم. در این صورت، اگر امام جماعت هنوز در

رکوع باشد، نماز به جماعت، صحیح است. در این

صورت، ذکر رکوع را می‌گوییم و بقیه‌ی نماز را به

جماعت ادامه می‌دهیم.

## تحقیق

با مراجعه به رساله (احکام نماز جماعت) پاسخ پرسش‌های زیر را بنویسید.

۱. اگر هنگامی که امام جماعت در رکوع است، به او اقتدا کنیم و به مقدار رکوع خم شویم، ولی امام جماعت سر از رکوع برداشته باشد، نماز ما چه حکمی دارد؟

۲. در کدام یک از حالت‌های زیر می‌توان به امام جماعت اقتدا کرد؟

الف: وقتی امام جماعت مشغول خواندن «قنوت» است.

ب: وقتی امام جماعت در «سجده» است.

ج: وقتی امام جماعت مشغول خواندن «تسبیحات اربعه» است.

د: وقتی امام جماعت مشغول خواندن «تشهد» است.

الف:       ب:       ج:       د:

## اقامه نماز

حرمت قرآن به جا می ماند از پاس نماز  
بین گوهرها درخشان است، الماس نماز

آفرین بر همت آنان که بر پا داشتند  
در چنین دنیای ظلمت خیز، اجلاس نماز  
اجلاس نماز، از سال ۱۳۷۰، همه ساله در یکی از  
استان های کشورمان برگزار می شود.

- آیا می دانی هدف از تشکیل این اجلاس

چیست؟

- آیا از برنامه های این اجلاس با خبر هستی؟  
در این باره با معلم و مربی خود یا با امام جماعت

گفت و گو کن.



## بهار معنویت

سفره‌ی افطار را دوست داشتم، حالا هم دوست دارم. مقصودم سفره و غذاهایش نیست.

من زیاد به میهمانی و عروسی رفته‌ام و غذاهای عالی و خوشمزه هم زیاد خورده‌ام، ولی سفره‌ی افطار خانه‌ی ما همیشه یک جور دیگری است.

وقتی دعای «رَبَّنَا» پخش می‌شود، مادرم شروع به ریختن چای می‌کند و همیشه همراه دعا، گریه می‌کند و ما همه دور سفره می‌نشینیم و به دعا گوش می‌کنیم.

بعد از دعا، تیک تیک ساعت، نزدیک شدن لحظه‌ی اذان را خبر می‌دهد.

این لحظه همیشه برای من مانند لحظه‌های تحویل سال و نوروز، لحظه‌های شادی است.

بعد از اذان، همه با هم افطار می‌کنیم و صحبت و خنده، خانه‌ی ما را پر می‌کند. من این برنامه‌ها را

خیلی دوست دارم<sup>۱</sup>.

امام صادق (ع) می‌فرمایند:

«برای روزه داران، دو لحظه‌ی شادی وجود دارد: یکی لحظه‌ی افطار و دیگری لحظه‌ی دیدار با پروردگار<sup>۲</sup>»



به راستی اگر روزه فقط خودداری از خوردن و آشامیدن و پرهیز از برخی کارهای دیگر بود، این همه شادی بخش و شورآفرین نبود. روزه، آثار و فواید فراوانی دارد.

قرآن کریم می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ<sup>۳</sup>.

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما مقرر شده است، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند، مقرر شده بود، باشد که پرهیزکاری کنید.» یکی از فواید عمده‌ی روزه داری، «تقوا» است.

کسی که با تقواست، مانند ماشین پر قدرتی است که ترمزی قوی هم دارد. وقتی از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها و سایر لذت‌ها به خاطر خدا چشم می‌پوشیم، روح ما لطیف و به خدا نزدیک می‌شود.

۱- اولین نمازی که خوانده‌ام (با تلخیص) صفحه‌ی ۱۰۱ و ۱۰۲.

۲- میزان الحکمه، جلد ۲، صفحه‌ی ۱۶۸۶، حدیث ۱۰۹۴۶.

۳- سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۸۳.



آن‌گاه به آسانی و راحتی کارهای خوب را انجام می‌دهیم و چون به گناه رسیدیم، با قدرت در برابر آن توقف و از کارهای زشت پرهیز می‌کنیم.

وقتی این‌گونه نیرومند شدیم، دیگر زیر بار ظلم و ستم نمی‌رویم، دیگر برای نان و جاه و مقام، برده‌ی این و آن نمی‌شویم و پیش این و آن گردن کج نمی‌کنیم.

اگر دشمنان اسلام ما را در محاصره‌ی اقتصادی قرار بدهند، صبر پیشه می‌کنیم و تسلیم خواسته‌های آنان نمی‌شویم، و در برابر عیش و نوش و هوسرانی هم خودداری نشان می‌دهیم. روزه، نه تنها روح ما، که جسممان را هم سالم و نیرومند می‌کند.

دکتر «سیدرضا پاک نژاد»، شهید انقلاب می‌گوید: «در ظرف مدت یک ماه روزه داری، آدمی دارنده‌ی یک بدن تازه تعمیر شده و آزاد گردیده و از قید و بند سموم رها شده است.»<sup>۱</sup>

امروزه علم پزشکی به برخی فواید روزه درباره‌ی درمان بیماری‌ها پی برده است.

یکی از متخصصان این رشته می‌گوید:

«هر شخص بیمار باید در هر سال مدتی از غذا پرهیز کند، چون تا زمانی که غذا به بدن می‌رسد،

۱- نقل از «روزه درمان بیماری‌های روح و جسم»، صفحه‌ی ۱۲۷.

میکروب‌ها در حال رشد هستند ولی هنگامی که از غذا پرهیز می‌کند، میکروب‌ها رو به ضعف و نابودی می‌روند.»

سپس می‌افزاید: «روزه‌ای که دین اسلام واجب کرده، بزرگ‌ترین ضامن سلامتی تن است.<sup>۱</sup>»  
پیامبر (ص) در همین باره می‌فرمایند:  
صَوْمُوا تَصِحُّوا<sup>۲</sup>  
«روزه بگیرید تا تندرست بمانید»

۱- همان، صفحه‌ی ۸۶.

۲- میزان الحکمه، جلد ۲، صفحه‌ی ۱۶۸۶، حدیث ۱۰۹۲۷.

## نگاهی به ملکوت

برخی قلب‌ها چنان شفاف و پاک هستند که شب «قدر» را می‌شناسند این راه شیرین و پر جاذبه به روی ما هم باز است.

اگر حضرت ابراهیم به فرموده‌ی قرآن، ملکوت آسمان‌ها و زمین را می‌دید<sup>۱</sup>، از ما هم باز خواست کرده‌اند که چرا به ملکوت آسمان‌ها و زمین سری نمی‌زنیم.<sup>۲</sup>

وقتی از امام معصوم پرسیدند نشانه‌ی شب قدر چیست؟ فرمودند:

«شب قدر، نسیم خوش و معطری دارد؛ به گونه‌ای که اگر هوا، سرد باشد، آن نسیم، گرم و ملایم است و اگر هوا، گرم باشد، آن نسیم، خنک و معتدل است.»<sup>۳</sup>  
برخی از بزرگان پاکدل، حتی نزول فرشتگان را در شب قدر می‌فهمیدند. حس و درک می‌کردند.  
ما هم می‌توانیم در این راه پر جاذبه، گام‌هایی برداریم.

۱- سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۷۵. ۲- سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۸۵.  
۳- من لا یحضره الفقیه، جلد ۲، صفحه‌ی ۱۰۲، حدیث ۱۳.

### تحقیق

با مراجعه به رساله (احکام روزه) مشخص کنید روزه‌ی چه کسی باطل است؟

۱. کسی که به سبب فراموشی چیزی خورده یا آشامیده است.

۲. کسی که از روی عمد، دروغی را به پیامبر خدا نسبت داده است.

۳. کسی که سرش را به طور کامل زیر آب دوش حمام قرار داده است.

۴. کسی که در خوابِ نیمروز «جُنُب» شده است.

۵. کسی که شب در خواب جُنُب شده و به خاطر شرم و خجالت، بدون غسل کردن، روزه گرفته است.

□ ۵   □ ۴   □ ۳   □ ۲   □ ۱



## در کوی دوست!

این جا سراسر شور و صفاست.  
این جا همه در اندیشه‌ی پرواز و صعودند.  
این جا همه گرد آمده‌اند تا پیمانی از سر عشق و  
وفا با خدای خود ببندند.  
این جا قلب‌ها با زلال اشک، شسته می‌شوند.  
این جا آیینه‌ها با تلاوت قرآن، جلا داده می‌شود.  
این جا شکسته بالان، با توبه و استغفار، بال‌هایی  
از جنس نور می‌یابند.  
این جا مکانی سرشار از طراوت و پاکی است!  
این جا «مسجد جامع» شهر است.  
و این گروه - پیر، جوان و نوجوان - آمده‌اند،  
حداقل سه روز در این مکان مقدس بمانند. اینان در  
این مدت از این جا بیرون نخواهند رفت.  
اینان آمده‌اند در این مسجد، «اعتکاف» کنند.  
اعتکاف، یکی از زیباترین اعمال مستحبی است که  
در تمام روزهای سال - بجز عید فطر و عید قربان -  
می‌توان آن را انجام داد.

پیامبر خدا (ص) شیفته‌ی اعتکاف بود.

او همه ساله در دهه‌ی آخر ماه مبارک رمضان، به مسجد می‌آمد و این عبادت بزرگ را برای خشنودی خدا انجام می‌داد.

در کشور ما سال‌هاست که برنامه‌ی اعتکاف رونق چشمگیری پیدا کرده و سال به سال به شکوه آن افزوده می‌شود.

ما هم می‌توانیم همه ساله در مراسم اعتکاف، که معمولاً در «ایام البیض» ماه رجب - یعنی روزهای سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم ماه مبارک رجب - در مسجد جامع شهرها برگزار می‌شود، شرکت کنیم.

البته چون اعتکاف، عمل مستحبی است، ما نوجوانان باید با رضایت کامل پدر و مادر در این برنامه‌ی معنوی شرکت کنیم تا بتوانیم از معنویات آن بهره ببریم.

برای شرکت در اعتکاف به امور زیر توجه می‌کنیم:

۱. حداقل زمان اعتکاف، سه روز است.
۲. از اذان صبح روز اول تا غروب روز سوم باید در مسجد بمانیم.
۳. در ایام اعتکاف، حق خروج از مسجد را نداریم، مگر برای انجام کارهای ضروری.
۴. در ایام اعتکاف باید روزه بگیریم.
۵. در ایام اعتکاف، بوییدن عطر و گل، خرید و

فروش، و جدال برای غلبه بر دیگران و اظهار برتری بر آنان حرام است و باید از این اعمال پرهیز کنیم.



وقتی اعتکاف می‌کنیم، کم‌کم از غوغای دنیا فاصله می‌گیریم و به خدا توجه می‌کنیم. وقتی با خدا انس می‌گیریم و با او راز و نیاز می‌کنیم؛

و وقتی در کوی دوست، سر بر خاک می‌ساییم، احساس سبکبالی می‌کنیم.

احساس می‌کنیم خیلی بزرگ شده‌ایم؛ بزرگ‌تر از آن که خود را به دنیا بفروشیم؛

چرا که در می‌یابیم ما از دنیا پربهاتریم.

دیگر درک می‌کنیم که چرا اگر تمام دنیا را هم به حضرت علی (ع) می‌دادند، حاضر نمی‌شد، به مورچه‌ای ظلم کند

و چرا اگر تمام دنیا را به پیامبر خدا (ص) می‌دادند، حاضر نمی‌شد از رسالت و وظیفه‌ای که خدا بر دوش او نهاده بود، دست بردارد.

دیگر در می‌یابیم که می‌توان با پرهیز از لذت‌های دنیایی به بسیاری از لذت‌های برتر و پایدارتر دست یافت.

دیگر در می‌یابیم که گرچه راه خدا به ظاهر دشوار می‌نماید، ولی پر از نشاط، شادابی و کامیابی است

و می‌فهمیم که نمی‌توان لذت‌های این راه را برای دیگران وصف کرد؛ فقط باید رفت و چشید.

حالا که سه روز را با روزه، تفکر، با توسل به ائمه‌ی اطهار، با راز و نیاز و با گریه و مناجات سپری کردیم، چنان با صفا و نورانی شده‌ایم که حاضر نیستیم، حتی به خاطر لذت‌های حلال دنیا هم از لذت‌های معنوی محروم شویم؛ چه رسد به این که بخواهیم لذت‌های حرام دنیا را دنبال کنیم.

حالا دیگر دریافته‌ایم که چقدر زیانکارند آنان که به لذت اعتیاد، به لذت هوس‌رانی و لذت بی‌بند و باری دل خوش کرده‌اند و به خاطر لذت‌های زودگذر، دنیا و آخرت خود را تباه کرده‌اند!

حالا با اذان مغرب روز سوم، به نماز می‌ایستیم و پس از نماز با قلبی پاک تصمیم‌های بزرگ می‌گیریم و با سبکبالی و شادکامی به سوی خانه باز می‌گردیم. آن گاه، احساس می‌کنیم که دیگر همان نوجوان سه روز پیش نیستیم؛ خیلی بالا رفته‌ایم، خیلی خوب‌تر و خوب‌تر شده‌ایم.

از خدا می‌خواهیم به ما توفیق دهد تا سرمایه‌هایی را که در ایام اعتکاف یافته‌ایم از دست ندهیم.

و زیر لب می‌گوییم: «خدایا با تو پیمان می‌بندیم؛

پیمانی پولادین....»



### در حلقه‌ی سبکبالان

اگر نمی‌توانید در برنامه‌ی اعتکاف شرکت کنید، بکوشید حتماً به محل اعتکاف بروید و از نزدیک آن مراسم معنوی و پرشور را ببینید و اگر می‌توانید، دست کم ساعتی آن جا در حلقه‌ی آن سبک‌بالان بنشینید و از صفای معنوی آنان توشه‌ای بگیرید.

### کانون کامیابی

مسجد و برنامه‌های آن، در رشد و بالندگی و در سعادت و کامیابی ما نقش بسزایی دارد. آنان که به جایی رسیده‌اند، با مسجد سر و کار داشته‌اند.

غیر از نماز و اعتکاف، چه برنامه‌هایی در مسجد برگزار می‌شود که شایسته است، در آنها شرکت کنیم؟

.....۱

.....۲

.....۳



## آن سوی پوشش و آراستگی

می‌رویم و می‌رویم و کنار هر مغازه‌ای اندکی می‌ایستیم. مغازه‌ها به ما لبخند می‌زنند. مغازه‌ها دوست دارند، ما خریدار اجناس آن‌ها باشیم. می‌خواهیم لباسی مناسب برای خود انتخاب کنیم. بعضی‌ها همین که از لباسی خوششان آمد، به راحتی آن را خریداری می‌کنند. ولی ما برای خرید لباس چهار عامل را در کنار هم قرار می‌دهیم:

- ما نوجوان هستیم.

- ما مسلمان و دین‌دار هستیم.

- ما ایرانی هستیم.

- ما خود، توانایی انتخاب درست را داریم.

وقتی این چهار چیز را در کنار هم قرار دادیم، آن‌گاه از مغازه به کارگاه تولیدی نظری می‌اندازیم؛ همان جایی که این لباس‌ها را تولید می‌کنند. و از کارگاه، به طراحان لباس فکر می‌کنیم.

طراحان، نخست یک فرهنگ و مکتب و آداب و رسوم و ارزش‌های مورد قبول آن را در نظر می‌گیرند

و سپس بر اساس آن لباس‌ها را طراح می‌کنند. در پس هر لباسی، طرح و نقشه و سیاستی پنهان است.

حالا با خود می‌گوییم، آیا طراحان این لباس به ویژگی‌های «من» توجه کرده‌اند؟ من یک نوجوان مسلمان دیندار ایرانی هستم.

من با دقت فراوان یک لباس را برمی‌گزینم؛ لباسی که متناسب با ویژگی‌های مختلف من باشد. به همین دلیل، از خرید برخی لباس‌ها پرهیز می‌کنم:

۱. شکل و ظاهر برخی لباس‌ها، برای ترویج فرهنگ کسانی است که مسلمان نیستند و به فرهنگ اصیل ما مسلمانان هم هجوم آورده‌اند، مانند لباس‌هایی که عکس یا علامت مربوط به کشورهای غربی روی آن‌ها نقش بسته است.

۲. نوع رنگ و مدل برخی لباس‌ها به گونه‌ای است که باعث ایجاد فساد است.

۳. برخی لباس‌ها از ابریشم خالص است و در فرهنگ اسلام، پوشیدن آن‌ها برای مردان و پسران حرام است.

من خود قدرت انتخاب دارم و می‌کوشم لباسی را برگزینم که با ویژگی‌های من همخوانی داشته باشد.

وقتی لباسی تهیه می‌کنم، سعی می‌کنم مسائل زیر را در استفاده از آن مراعات کنم:

۱. وقتی لباس جدید خود را می‌پوشم، دعا

می خوانم و از خدا می خواهم، که این لباس را لباس تقوا و لباس سلامت و لباسی که در آن خدا را عبادت کنم، قرار دهد.

۲. لباسم را تمیز و پاکیزه نگه می دارم.

۳. می گوشم در خانه از لباس های بیرون، استفاده نکنم.

۴. هیچ گاه با لباس خود به دیگران مباحثات نمی کنم و فخر نمی فروشم.

۵. می دانم روحم بسیار زیباتر و گران بهاتر از لباسم است، بنابراین خود را به گناه آلوده نمی کنم. وقتی در انتخاب لباس این گونه زیبا عمل می کنم، می گوشم در آراستن موی خود نیز به ویژگی های دینی و ملی خود توجه کنم.

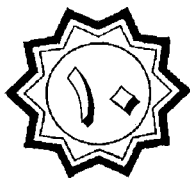
همچنین از اصلاح صورت با تیغ یا ماشین که مثل تیغ از ته می زند، پرهیز می کنم و می دانم که آرایش زنانه برای آراستن چهره ی ما پسران نامناسب است و گناه به شمار می آید.

## ابتکار و نوآوری

اسلام با ابتکار و نوآوری مخالف نیست. هنگامی که ابتکار و نوآوری در زمینه‌ی لباس و شیوه‌های آراستگی مطابق با معیارهای دینی و ملی باشد، نه تنها ناپسند نیست که پاداش هم دارد.

اسلام با این مسأله که ما خود باختگی فرهنگ‌های دیگر باشیم و چشم بسته از آنان پیروی کنیم، مخالف است.

اسلام دوست دارد، ما در همه‌ی عرصه‌ها پیشرو و پیشگام باشیم و بکوشیم دیگران را هم‌رنگ خود کنیم، نه این که آن قدر سست اراده باشیم که ما را چون توپ فوتبال، هر روز به سمت و سویی پرتاب کنند و با بازی دادن ما، به اهداف شوم خود برسند.



## راز سلامت قلب

کنار حوض نشسته‌اید و به آن می‌نگرید. حوض، لبریز از آب صاف و زلالی است که از جویبارها می‌آید. حوض چون آینه‌ای، چهره‌ی شما را در خود منعکس کرده است.

کم‌کم آب، گل آلود و تیره می‌شود. بر می‌خیزید و هر کدام مسیر یک جویبار را در پیش می‌گیرد تا منشاء گل آلود شدن آب را کشف کنید.

حالا هر کدام در نقطه‌ای از جویبار ایستاده‌اید و به بچه‌هایی که آب را گل آلود می‌کنند، می‌گویید: «آب را گل نکنید! مردم از این آب، استفاده می‌کنند.» سرانجام بر می‌گردید، کنار حوض می‌نشینید و به خود می‌اندیشید:

قلب ما نیز همانند این حوض است که جویبارهای گوش و چشم بدان راه دارند. اگر دیدنی‌ها و شنیدنی‌های ما پاک و حلال باشند، وقتی

وارد قلب ما شدند قلب ما همچنان صاف و شفاف خواهد ماند، ولی اگر آلوده باشند، قلب ما را تیره و کدر خواهند کرد.

دیدنی‌ها و شنیدنی‌های سالم قلب ما را پاک نگه می‌دارند، این نوعی ساده‌اندیشی است که کسی بگوید، هر چه می‌خواهی ببین، هر چه می‌خواهی بشنو، فقط مراقب باش قلبت پاک باشد.

قرآن کریم می‌فرماید:

إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا

«همانا گوش و چشم و قلب، همه مورد پرسش واقع خواهند شد.»



چشم و گوش و قلب ما امانت خدا هستند.

• اسلام عزیز، برای تربیت ما و این که نور چشم ما افزون شود و بتوانیم زیبایی‌های آن سوی جهان ماده را ببینیم، به ما می‌فرماید:

به آسمان و ستارگان، به دریا و صحرا، به آمد و رفت شب و روز، به صورت قشنگ و دوست داشتنی پدر و مادر، به چهره‌ی با شکوه رهبر و عالمان دینی • و به کعبه بنگرید!

نگاهی که در آن الهام و پیام باشد.  
نگاهی که ما را به سرچشمه‌ی هستی راهبری  
کند.

نگاه کن، ولی آن گاه که به نامحرم رسیدی،  
چشمانت را پایین بینداز؛ این نگاه، سمّی است.  
از نظر احکام دینی، نگاه آلوده به هیچ چیز و  
هیچ کس جایز نیست.

گاه نگاه آلوده، سرآغاز لغزش‌های بزرگ است.  
کسانی که چشمان آن‌ها ناپاک و بی‌مهار است،  
همیشه دستخوش دردها و رنج‌ها و نگرانی‌ها  
هستند.

پس چه زیباست که مراقب چشمان خویش  
باشیم.

امام صادق (ع) می‌فرمایند: «هرگاه چشم از حرام فرو  
بسته شود، به مشاهده‌ی عظمت و جلال حق پیشی  
می‌گیرد.»

حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «آن کس که  
چشمانش را مهار کند، دلش آسوده می‌شود.»

پیامبر اسلام می‌فرمایند: «کسی که چشم  
از زیبایی‌های نامحرم‌ان بی‌پوشاند، خدا مزه‌ی  
عبادت‌ی را به او می‌چشانند که مایه‌ی سرور و



شادمانی او می‌شود.»<sup>۱</sup>

نگاه عادی و معمولی و به دور از آلودگی نیز دارای حد و مرزهایی است که واجب است آن‌ها را مراعات کنیم:

### نگاه مرد به مرد

این گونه نگاه، جایز است، البته بجز عورت که نگاه به آن، حرام است.

### نگاه عادی مرد به نامحرم

این گونه نگاه در صورتی جایز است که او حجاب و پوشش کامل داشته باشد.

البته نگاه به صورت و دست‌ها تا میچ جایز است و این هنگامی است که صورت و دست‌ها خالی از آرایش و زینت باشند.

### نگاه عادی به عکس‌ها

این نگاه‌ها جایز است، ولی اگر صاحب عکس نامحرم باشد و او را بشناسیم، در صورتی نگاه به آن عکس جایز است که او حجاب کامل داشته باشد.

این را نیز فراموش نکنیم که یکی از ابزار تهاجم

غرب به فرهنگ ما، تولید فیلم‌هایی است که تحریک کننده شهوت و غضب و یا سرشار از خشونت و یا منظره‌های مبتذل است.

بنابراین به فکر ایمان و آخرت خود باشیم و از نگاه به فیلم‌های انحراف‌آور بپرهیزیم.

گوش، یکی از نعمت‌های بزرگ خداست که ما با آن صداها را می‌شنویم؛ این شنیدنی‌ها به فکر و قلب ما شکل می‌دهد.

خوب گوش کردن، یکی از مهارت‌های بندگان شایسته‌ی خداست، ولی باید مراقب باشیم، برخی از شنیدنی‌ها، آلوده هستند و قلب ما را هم آلوده می‌کنند. انسان‌های زیرک برای گوش خود دروازه‌بان و نگهبان قرار می‌دهند و اجازه نمی‌دهند هر سخن یا هر صدایی وارد گوش آن‌ها بشود.

در تعالیم دینی، به ما گفته‌اند، هر سخنی را که گوش می‌دهی، گویی صاحب آن سخن را می‌پرستی. اگر او سخنی خدایی می‌گوید، تو خدا را می‌پرستی و اگر سخنی شیطانی می‌گوید، تو شیطان را می‌پرستی.

حضرت علی (ع) می‌فرماید:

السَّمِيعُ شَرِيكُ الْقَائِلِ ۱

«شنونده، شریک گوینده است.»

بنابراین شنیدن داستان‌ها، قصه‌ها و سایر مطالب گمراه‌کننده، دل و قلب ما را آلوده و فرمان را مشغول می‌کند و باید از آن‌ها بپرهیزیم. همچنین شنیدن غیبت، تهمت، فحش و ناسزا حرام است و اگر می‌توانیم، باید گوینده را از این مطالب ناشایست بازداریم.

### خوانندگی و نوازندگی

اسلام نه تنها با هنر مخالف نیست، بلکه ما را به هنر سازنده و جهت‌دهنده تشویق هم می‌کند، ولی باید این را بدانیم که هنر نیز مانند همه‌ی چیزهای دیگر حد و مرزهایی دارد که باید آن‌ها را مراعات کنیم.

درباره‌ی خوانندگی و نوازندگی همیشه باید به سه مطلب توجه داشته باشیم:

۱. محتوایی که خواننده می‌شود.

۲. کیفیت خواندن.

۳. آهنگی که به وسیله‌ی ابزار موسیقی نواخته

می‌شود.

□ محتوا باید محتوایی خوب و خداپسند باشد،

مثل فضائل ائمه‌ی اطهار، شعرهای انقلابی،

شعرهای اخلاقی و عرفانی.

بنابراین اگر محتوا، مطالبی تحریک کننده و گمراه کننده داشته باشد، باید از گوش دادن به آن پرهیز کنیم.

□ کیفیت خواندن و آهنگی که نواخته می شود، باید ما را به سوی خوبی ها و زیبایی ها ببرد.

بنابراین اگر کیفیت و یا آهنگ به گونه‌ی زیر باشد، حرام است و نباید به آن گوش داد:

الف: انسان را از حالت طبیعی خارج کند، از خداوند و فضایل اخلاقی دور و به سمت گناه و بی بند و باری بکشاند.

ب: متناسب با مجالس لهو و لعب باشد؛ مجالس گناهی که در آن عیش و نوش و رقص و پایکوبی برپاست.

## پرسش

از افراد زیر، چه کسانی بر ما پسران نامحرم هستند؟

- خواهر
- خواهرزاده
- مادر بزرگ
- دختر دایی
- زن دایی
- دختر عمه
- خاله
- دختر خاله
- دختر عمو
- زن عمو
- زن برادر
- برادر زاده

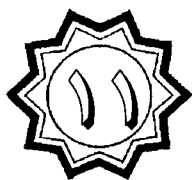
## آهنگ رُشد

اسلام خواهان رشد و بالندگی ماست.

ما به این دنیا آمده‌ایم تا اوج بگیریم، بالا و بالاتر برویم و حتی از فرشتگان نیز برتر و والاتر شویم. به همین دلیل، باید بکوشیم همیشه پاک باشیم و از آلودگی‌ها دوری کنیم. اسلام عزیز از ما می‌خواهد که در ارتباط‌های اجتماعی همیشه حیا و پاکی را اصل و اساس قرار بدهیم.

صحبت کردن با نامحرم، باید در فضایی سالم و به دور از هرگونه آلودگی باشد و از آن جا که همیشه احتمال لغزش و انحراف در انسان هست، شایسته است که همیشه جانب احتیاط را مراعات کنیم و صحبت‌های خود را متین، مختصر و کوتاه مطرح کنیم.

در فرهنگ اسلام، دست دادن با نامحرم، گناه و نارواست. اسلام می‌خواهد شکوه و عظمت زن و مرد را حفظ کند.



## فرهنگ ارتباط

کلبه‌ی عشق و محبت را نگاه کن!  
همان کانون گرم و با صفای خانواده‌ات را،  
پدر، مدیری لایق، دلسوز و دور اندیش  
مادر، فرشته‌ای مهربان و زحمتکش  
خواهر، همدمی پر مهر و عاطفه  
برادر، پشتیبان و پشتوانه‌ای محکم و استوار  
تو در همین کانون پرورش یافته‌ای، تو میوه و  
محصول همین خانواده هستی.

درست است که کم‌کم بزرگ شده‌ای و چه بسا که  
فکر و توان والایی پیدا کرده باشی؛ ولی فراموش  
نکن که هر چه داری، از همین خانواده داری؛ به  
ویژه از پدر و مادر. پس احترام همه را نگه دار!  
شاید پدر و مادر تو قد خمیده و سالخورده باشند  
ولی آن‌ها سردی و گرمی‌های بسیاری را چشیده‌اند؛  
فراز و نشیب‌های فراوانی دیده‌اند و تجربه‌های  
بی‌شماری اندوخته‌اند.

بنابراین تو که چون تیر، پر شتاب، تیز و پر هیجانی و می خواهی به قلب اهدافی که داری نشانه بروی، مطمئن باش که اگر تیرهای تو از کمان پدر و مادر رها شوند، به قلب هدف خواهند خورد.

نه تنها پیروزی در زندگی، که آخرت تو نیز - تا اندازه‌ای - به دست پدر و مادر توست.

شخصی از پیامبر اسلام درباره‌ی حق پدر و مادر بر فرزند پرسید. پیامبر فرمودند: «بهشت و جهنم تو به دست آن دو است!»<sup>۱</sup>



در فرهنگ اسلام پدر و مادر جایگاه بسیار والایی دارند.

قرآن بارها و بارها ما را به عظمت آنان یادآور شده و از ما خواسته است احترام و شکوه آنان را حفظ کنیم.

قرآن از ما می خواهد مسائل زیر را مراعات کنیم:

### ۱. شکرگزاری

همیشه باید شکرگزار نعمت پدر و مادر باشیم، حتی باید خدا را به خاطر نعمتهایی که به پدر و مادرمان داده، سپاس گوئیم.



قرآن فرمان شکرگزاری از پدر و مادر را در کنار شکرگزاری از خود قرار داده است:

أَنِ اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ<sup>۱</sup>

«به انسان سفارش کردیم که شکرگزار من و پدر و مادرت باش.»

بکوشیم همیشه با شیرین زبانی، خدمات پدر و مادر را به زبان بیاوریم و از آنان تشکر کنیم. این کار می‌تواند در قالب گفتار، نامه، کارت تبریک و هدیه باشد.

## ۲. نیک رفتاری

اعمال و رفتار ما باید به گونه‌ای باشد که مایه‌ی سرور و شادمانی پدر و مادر باشد.

قرآن می‌فرماید:

وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَسَنًا<sup>۲</sup>

«و به انسان سفارش کردیم که به پدر و مادر خود نیکی کند.»

به نمونه‌هایی از نیک رفتاری که در روایات آمده است، توجه می‌کنیم.

\* همنشین خوبی برای آنها باشیم.

\* به آنها تند و تیز نگاه نکنیم.

- \* صدایمان را بالاتر از آن‌ها نبریم.
- \* جلو آنان ننشینیم و راه نرویم.
- \* به آنان ناسزا نگوییم.
- \* باعث خشم و نارضایتی آنان نشویم.
- \* ابهت و عظمت آنان را نشکنیم.

### ۳. اطاعت و فرمانبری

قرآن همان گونه که اطاعت از خدا، پیامبران و امامان را بر ما واجب می‌داند، اطاعت از پدر و مادر را نیز لازم می‌داند، ولی از آن جا که پدر و مادر، معصوم و به دور از خطا و لغزش نیستند، اطاعت از آن‌ها را فقط در صورتی واجب می‌داند که فرمان‌ها و خواسته‌های آن‌ها، بر خلاف قرآن و احکام دینی نباشد. اگر آن فرمان‌ها و خواسته‌ها غیر از این باشند، ما حق نداریم از آنان پیروی کنیم، ولی این را همیشه باید به خاطر داشته باشیم که حتی در این صورت هم باید با آنان به نیکی رفتار کنیم و حق اهانت و بی‌احترامی به آنان را نداریم.<sup>۱</sup>

بنابراین ما باید در کارهای خود، خشنودی و رضایت پدر و مادر را نیز جلب کنیم و هیچ‌گاه باعث خشم، آزار و اذیت آنان نشویم.

به دو نمونه از احکام اسلامی که ما را به جلب رضایت پدر و مادر توجه می‌دهد، نگاه می‌کنیم:

### ۱. مسافرت

در سفرها - حتی سفرهای زیارتی - باید رضایت پدر و مادر را جلب کنیم، بنابراین اگر سفر ما باعث آزار و اذیت آنان می‌شود، این سفر، حرام است و در آن سفر باید نمازهای خود را کامل بخوانیم و اگر ماه مبارک رمضان است، باید روزه هم بگیریم. البته سفرهایی که بر ما واجب می‌شود - مثل سفر حج - دیگر نارضایتی پدر و مادر تأثیری در انجام سفر ندارد، ولی باز هم تا می‌توانیم، باید بکوشیم رضایت آنان را جلب کنیم.

### ۲. نماز جماعت

اگر پدر یا مادر به ما امر کنند که نماز را به جماعت بخوانیم و اگر نافرمانی کنیم، آزرده خاطر می‌شوند، واجب است که نماز را به جماعت بخوانیم.

### تحقیق

با مراجعه به رساله (احکام نذر و عهد و احکام قسم خوردن) پاسخ پرسش‌های زیر را بنویسید.

۱- اگر پدر، فرزند خود را از قسم خوردن نهی کند، آیا قسم او صحیح است؟

۲- اگر پدر یا مادر، ما را از انجام کاری باز داشته‌اند، آیا می‌توانیم با نذر کردن آن کار را بر خود واجب کنیم؟

### شخصیت‌شناسی

نوجوانی سرشار از استعداد و توانایی بود.

سال‌ها در زادگاه خود، مشهد، با اجازه‌ی پدر در حوزه‌ی علمیه درس می‌خواند.

در هجده سالگی وقتی به قصد زیارت عتبات به عراق سفر کرد، دوست داشت، در شهر نجف بماند و در حوزه علمیه‌ی آن جا ادامه‌ی تحصیل بدهد، ولی چون پدر ایشان موافق نبود، به مشهد بازگشت.

با اجازه‌ی پدر برای ادامه‌ی تحصیل به شهر قم رفت و سرگرم تحصیل شد تا این که برای پدر بزرگوارش عارضه‌ی چشمی پیش آمد.

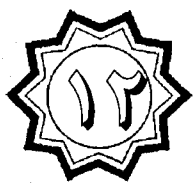
با توجه به نیاز پدر و مادر به مراقبت، ایشان بر سر دو راهی قرار گرفت که در قم بماند و به مدارج والای علمی برسد یا به وطن برگردد و به پدر و مادر خود کمک کند و با امکانات و شرایطی پایین تر از قم، به تحصیل خود ادامه بدهد.

سرانجام ایشان بازگشت به وطن را برگزید.

استادان وی خیلی افسوس می خوردند و می گفتند اگر می ماند خوب بود، ولی آینده به خوبی نشان داد که مقدم داشتن رضایت پدر و مادر بر خواسته‌ی خود چه شیرینی‌هایی در پی دارد.

سرانجام وی به مقام بسیار والا و ارجمندی دست یافت. خود ایشان تمام توفیقات علمی و مبارزاتی بعد را ناشی از همین انتخاب می داند.<sup>۱</sup>

امروز ما همه افتخار می کنیم که زیر سایه‌ی رهبری‌های ایشان به سلامت و با عزت زندگی می کنیم و کیست که ایشان را شناسد؟!۱



## در این عصر و زمانه

عصر، عصر ارتباطات است.

عصر، عصر رایانه و اینترنت است.

عصر، عصر ماهواره و رسانه‌های متعدد است.

دیروز تو در خانه، مدرسه و مسجد با فرهنگ اصیل اسلام آشنا می‌شدی و تا قلّه‌های کمال بالا می‌رفتی.

ولی امروز، ابزاری فرا روی توست که می‌توانی این فرهنگ را به تمام جهان معرفی کنی. با نوجوانان هم سن و سال خود گفت و گو کنی، اسلام عزیز را با بهترین زبان و بیان به دنیا برسانی و عطر دین را در جهان پر غوغای امروز پراکنده کنی.

مگر نه این است که شما نوجوانان و جوانان امیدهای امام مهدی (عج) هستید؟! پس، چه زیباست که به فکر ترویج دین خدا باشید.

البته تو آن قدر آگاهی و هشیاری داری که بفهمی این ابزارها در اختیار دشمنان نیز هست؛ آنان بیش‌تر و پیگیرتر از ما به فکر استفاده از این

ابزارها هستند.

آنان شبانه روز برای انحراف و نابودی ما نقشه می‌کشند.

داستان، داستان همیشگی جنگ حق و باطل است.

اینک تو در جبهه‌ی حق هستی.

باید «حق» را به خوبی بشناسی و به دیگران معرفی کنی و از بر پایی حق حمایت کنی. وقتی آگاه، بیدار و هشیار هستی، پیروز خواهی شد.

در این عصر و زمانه، ساده‌اندیشان زود فریب می‌خورند و به دام برنامه‌های پر فریب و پر جاذبه‌ی دشمنان می‌افتند.

در این عصر باید باریک اندیش، زیرک و هشیار باشیم.

در این عصر باید حتماً به فکر تهیه‌ی عینک باشیم؛ عینک نقد و انتقاد و بررسی.

نباید هیچ چیزی را با چشم بسته و بدون تحقیق بپذیریم.

نباید هیچ چیز را بدون اطمینان از سودمندی آن ببینیم و بشنویم.

برای این که بتوانیم زیبا را از زشت، سودمندی را از زیان‌آوری و حق را از باطل تشخیص بدهیم، چاره‌ای نداریم جز این که عمیقاً با قرآن، معارف و احکام و اخلاق اسلامی آشنا شویم.

در فرهنگ دین هم «آری» داریم و هم «نه»، در برابر خوبی‌ها و زیبایی‌ها، «آری» و در برابر بدی‌ها و زشتی‌ها «نه»، وجود دارد. شاید برای ما نوجوانان گفتن «نه» سخت باشد و گمان می‌کنیم که شخصیت ما با «آری» بالا می‌رود.

ولی باید بدانیم که تا مطمئن نشده‌ایم که یک راه، پیشنهاد، تعارف، فیلم، عکس، مجله، یا سی‌دی و... حلال و به سود دنیا و آخرت ماست، باید با کمال قاطعیت «نه» بگوییم.

بسیاری از کسانی که به انحراف کشیده شدند، به خاطر این بود که از گفتن «نه» شرم داشتند. هر جا که لازم باشد، بگویید «نه»، اما همراه با منطق، خوش خلقی و طرح و پیشنهاد جدید.

وقتی چنین هستید، بدانید پیروزید و از سرزنش دیگران نهراسید.

مردان الهی کسانی هستند که از سرزنش دیگران نمی‌هراسند. قرآن در ستایش آنان می‌فرماید:

لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ<sup>۱</sup>

«از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌ترسند. این فضل خداست. آن را به هر که بخواهد می‌دهد.»



در این دنیای پر غوغا نوجوانان به سه گروه



تقسیم می‌شوند:

۱- گروهی رنگ‌پذیر، سست اراده، و بی‌فکر هستند:

سیگار می‌کشی؟ این فیلم را می‌بینی؟...  
آن‌ها فوری می‌پذیرند و جسارت اظهارنظر ندارند.

۲- گروهی استقلال دارند، هر دعوتی را نمی‌پذیرند، هر حرفی را نمی‌پسندند و به هر کاری تن نمی‌دهند، ابتدا فکر می‌کنند و سپس آگاهانه تصمیم می‌گیرند و بی‌دلیل جذب این و آن نمی‌شوند.

۳- گروهی نه تنها استقلال دارند و به رنگ باطل در نمی‌آیند، بلکه دیگران را نیز عوض می‌کنند و فکر و ایده‌ی درست خود را به آنان منتقل می‌کنند.  
و اگر تو از گروه دوم هستی، بکوش تا جزو گروه سوم درآیی و دیگران را به رنگ خدا در آوری!  
تو پاک و با صفا باقی خواهی ماند.

تو به پیامبر پاک و با صفای اسلام اقتدا خواهی کرد. او که از کودکی هیچ‌گاه به مجالس گناه «آری» نگفت. متفکر شهید استاد مرتضی مطهری در این باره می‌نویسد:

در تمام دوران کودکی و نوجوانی، در مکه - که شهر لهو و لعب بود - به این امور، آلوده نشدم...  
مرکز عیش و نوش اعیان و اشراف هم همین شهر

(مکه) بود. انواع لهُو و لعبها، شراب‌خواری‌ها،  
نواختن‌ها، رقاصی‌ها...

در خانه‌های اعیان و اشراف همیشه صدای تار و  
تنبور و بزن و بکوب و بنوش بلند بود.

پیغمبر اکرم در تمام عمرش هرگز در هیچ  
مجلسی از این مجالس دایر مکه شرکت نکرد.<sup>۱</sup>

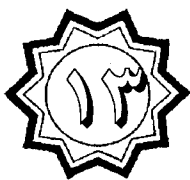
### انتخاب دوست از نگاه امام خمینی (ره)

از وصیت‌های (من که در آستان مرگ، و  
نفس‌های آخر را می‌کشم به تو<sup>۲</sup> که از نعمت جوانی  
برخورداری، آن است که معاشران خود و دوستان  
خویش را از اشخاص وارسته و متعهد و متوجه به  
معنویات و آنان که به حبّ دنیا و زخارف آن گرایش  
ندارند و از مال و منال به اندازه‌ی کفایت و حدّ  
متعارف پا بیرون نمی‌گذارند و مجالس و محافلشان  
آلوده به گناه نیست و از اخلاق کریمه برخوردارند!  
انتخاب کن که تأثیر معاشرت در دو طرف صلاح و  
فساد اجتناب‌ناپذیر است و سعی کن از مجالسی که  
انسان را از یاد خدا غافل می‌کند، پرهیز نمایی که با  
خو گرفتن به این مجالس ممکن است از انسان سلب  
توفیق شود، که خود مصیبتی است جبران‌ناپذیر.<sup>۳</sup>

۱- برگرفته از سیری در سیره‌ی نبوی، صفحه‌ی ۲۶۹ و ۲۷۰.

۲- خطاب به مرحوم حجة الاسلام و المسلمین حاج سید احمد  
خمینی (ره).

۳- نقل از جوانان از دیدگاه امام خمینی (ره)، صفحه‌ی ۲۰.



## آیین شادمانی

هدیه‌ای برای ما آورده‌اند. آن را می‌گشاییم، از دیدن آن لذت می‌بریم.

لباس تازه خریده‌ایم، آن را می‌پوشیم، احساس شادمانی می‌کنیم.

در امتحان، پیروز و موفق می‌شویم؛ احساس سربلندی می‌کنیم.

به تماشای طبیعت و یا آثار باستانی می‌رویم. از دیدن طبیعت و آثار، لذت می‌بریم.

این احساس خوشی و شادمانی، به خاطر نعمت‌های تازه‌ای است که به چنگ آورده‌ایم.

در فرهنگ اسلام «عید»، روز شادمانی و خوشی است به همین دلیل خداوند نعمت‌های معنوی جدید و جایزه‌ها و چشم‌روشنی‌های تازه‌ای به ما می‌دهد.

از همین روست که مراسم عید در اسلام با سپاس همراه است؛ چرا که نعمت فراوان‌تر، شکر و سپاس فراوان‌تری می‌طلبد.

در روزهای عید باید کاری کنیم که خداوند از ما خشنود شود و نعمت‌های بیش‌تری به ما عطا کند. گنجینه‌ها و ذخایر خداوند پایان‌ناپذیر است. خداوند، بنده‌ای را که بیش‌تر طلب کند، بیش‌تر دوست دارد.

طلب‌و درخواست از مردم، کلید ذلت و سرافکندگی است، ولی درخواست از خدا، کلید عزت و سربلندی است.

حال که می‌خواهیم روزهای عید، شاد باشیم و از نعمت‌های خدا در این روز تشکر کنیم، باید بدانیم هرگز نمی‌توانیم با کارهای حرام و ناشایسته شکرگزار این نعمت‌ها باشیم.

کارهایی که در روزهای دیگر حرام بوده، هرگز در روزهای عید، حلال نمی‌شود. باید ببینیم خداوند چه کارهایی را دوست دارد و همان کارها را در روزهای عید انجام بدهیم. کارهایی مانند این:

- لباس‌های پاک و نظیف بپوشیم.
- گشاده رو و خوش اخلاق باشیم.
- شیرین سخن و شیرین رفتار باشیم.
- به دیدار نزدیکان و همسایگان برویم.
- به فقیران و نیازمندان کمک کنیم.
- به پدر و مادر خود، بیش از پیش، احترام بگذاریم.
- به عبادت و دعا بپردازیم.

روزهای عید در فرهنگ اسلام عبارتند از:

○ عید فطر (روز اول شوال)؛ جشن پایان یک ماه

روزه‌داری.

○ عید قربان (روز دهم ذی حجه)؛ جشن پایان

مراسم عبادی - سیاسی حج.

○ عید مبعث (بیست و هفتم رجب)؛ جشن شکرگزاری

به خاطر داشتن رهبری آسمانی.

○ عید غدیر خم (روز هجدهم ذی حجه)؛ جشن

پذیرفتن مسئولیت رهبری مردم از سوی خدا.

○ عید هفته (روزهای جمعه)؛ جشن پایان یک

هفته کار و کوشش و عبادت و خدمت.

ما مسلمانان هنوز، در گرمی داشت این اعیاد

اسلامی - آن گونه که شایسته است - عمل نکرده‌ایم.

امید است که شما نوجوانان فعال و خلاق، در آینده

هنگامی که مسئولیت‌های فرهنگی را به عهده

گرفتید، با ارائه‌ی طرح‌های زیبا و همه‌جانبه و

اجرای آن‌ها به اعیاد اسلامی اهمیت بیش‌تری

بدهید.



عید نوروز بهار رویش جوانه‌ها و گیاهان و

نمونه‌ای از رستاخیز است و عیدی است که پیش از

اسلام بوده و اسلام با اصل آن به مبارزه برخاسته،

ولی همه‌ی مراسم آن را نیز تأیید نکرده است.

مراسمی همچون پاک‌سازی منازل، دید و

بازدید، هدیه و عیدی دادن و تفریح سالم که همراه با شکوفایی طبیعت انجام می‌شود، مورد پسند اسلام است، ولی مراسمی همچون چهارشنبه سوری و نحس دانستن روز سیزدهم فروردین، مبنای عقلایی ندارد و شایسته‌ی ما مسلمانان پر آوازه و با شخصیت نیست.

بکوشیم جنبه‌های مثبت عید نوروز را حفظ کنیم و جنبه‌های منفی آن را آگاهانه کنار بگذاریم.



علاوه بر بزرگداشت ایام عید، ما مسلمانان و به ویژه شیعیان باید میلاد ائمه‌ی معصومین (ع) را نیز زنده نگاه داریم، ولی باز هم فراموش نکنیم که شادی، شادمانی و جشن و سرور در اسلام هرگز آمیخته با کارهای حرام نیست.

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:  
در مجالس مذهبی و اعیاد بهتر است با اذکار شریفه‌ی صلوات و امثال آن، مجلس را گرم کنند.  
کف زدن همراه با رقص و ابتدال در خوانندگی جایز نیست و اجرای چنین برنامه‌ای در مجالس مذهبی غلط‌اندر غلط است.<sup>۱</sup>

### پرسش

□ شما در ایام عید و میلاد معصومین (ع) چه می‌کنید؟

□ زیباترین و پرجاذبه‌ترین برنامه‌هایی که تاکنون به مناسبت این روزهای خجسته مشاهده کرده‌اید، کدام است؟ آن‌ها را نام ببرید.

..... ۱.

..... ۲.

..... ۳.

..... ۴.

..... ۵.

..... ۶.

..... ۷.

..... ۸.

روز میلاد معصومین (ع) را بر اساس تاریخ قمری در جدول زیر ثبت می‌کنیم و در بزرگداشت آن روزها خواهیم کوشید.

نام معصوم	تاریخ ولادت
حضرت محمد (ص)	
حضرت زهرا (س)	
امام علی (ع)	۱۳ رجب
امام حسن (ع)	
امام حسین (ع)	
امام سجاد (ع)	
امام باقر (ع)	
امام صادق (ع)	
امام کاظم (ع)	
امام رضا (ع)	
امام جواد (ع)	
امام هادی (ع)	
امام عسکری (ع)	
امام مهدی (ع)	۱۵ شعبان





## در محافل اُنس

در حلقه‌ی دوستان و همسالان خود نشسته‌اید.  
می‌گویید و می‌خندید

و به لذت‌ها و کامیابی‌هایی می‌اندیشید که  
- امیدوار هستید فردا و فرداها به آن‌ها برسید. و در  
محفل انس خود، طبیعت را ورق می‌زنید و از ظاهر  
- به باطن آن سفر می‌کنید و به بهشت سراسر زیبایی،  
سری می‌زنید.

هفته‌ای یکی - دو حکم از احکام الهی و یکی - دو  
آیه از آیاتی را که درباره‌ی زیبایی‌های بهشت است،  
می‌خوانید

و این بار، نهج البلاغه را گشوده‌اید، می‌خوانید و  
لذت می‌برید.

به خطبه‌ای می‌رسید که از شگفتی‌های آفرینش،  
سخن می‌گوید.

می‌گوید و می‌گوید.

ناگهان صفحه‌ی طبیعت را ورق می‌زند و از  
بهشت می‌گوید.

کسی از بهشت می‌گوید که خود به اذن خدا آن را مشاهده کرده است.

کسی از بهشت می‌گوید که به بالاتر از بهشت دل بسته است؛ به خشنودی خدا.

همان که قرآن پس از ذکر پاره‌ای از نعمت‌های بهشتی، از آن چنین یاد می‌کند:

وَ رِضْوَانٍ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ<sup>۱</sup>

«و خشنودی خدا، بزرگ‌تر است، این است همان

کامیابی بزرگ!»

کسی از بهشت سخن می‌گوید که پس از پیامبر از همه آدمیان برتر و والاتر است

و چه زیبا و پر احساس سخن می‌گوید:

«اگر با چشم دل به آنچه که از بهشت برایت

توصیف می‌شود، نظر اندازی روح از شگفتی‌های دنیا و از شهوت‌ها و لذت‌ها و زخارف و زیورهای دیدنی‌اش کناره‌گیری می‌کند. و فکر و اندیشه‌ی تو در میان درخت‌هایی متحیر و سرگردان می‌شود که شاخه‌هاشان همواره به هم می‌خورد و ریشه‌های آنها در دل تپه‌هایی از مشک و عنبر بر سواحل نهرهای بهشت فرو رفته است.

اندیشه‌ات در خوشه‌هایی از درّ و گوهر، واله و حیران می‌شود؛ درّ و گوهرهایی که به شاخه‌های کوچک و بزرگ محکمش درآویخته‌اند و در میوه‌های

گوناگونی که از درون غلاف‌های خود سر برون کرده‌اند؛

میوه‌هایی که به آسانی و مطابق دلخواه بهشتیان چیده می‌شود.

از کسانی که میهمان بهشت هستند و در جلو قصرهای آن فرود آمده‌اند با سفره‌ای از نان بهشتی با عسل‌های مُصَفَّآ و نوشیدنی‌های پاکیزه پذیرایی می‌کنند.

این میهمانان، گروهی هستند که تقوا، کرامت و شخصیت خود را تا پایان عمر حفظ کرده و از فراحتهای نقل و انتقال سفرهای مرگ و برزخ در امان بوده‌اند.

ای شنونده اگر قلب خویش را به مناظر زیبایی که در آن جا به آن‌ها می‌رسی سرگرم کنی، روح با شوق فراوان به سوی آن‌ها پرواز خواهد کرد...»<sup>۱</sup>

وَه که یاد بهشت چه شیرین و شورانگیز است! چه زیباست که هر چند وقت یکبار گرد هم آییم و از فرداهای شیرینی سخن بگوییم که چشم به راه ماست.

وقتی وصف این لذت‌های بی‌کرانه را از زبان قرآن و پیشوایان معصوم می‌شنویم، چنان پر اراده و استوار می‌شویم که حاضریم جانمان را برای احکام الهی فدا کنیم.

حضرت امام خمینی (ره) که این راه را با ایمان و اراده‌ای پولادین و کم نظیر به سلامتی طی فرموده‌اند، می‌فرمایند:

«در دوران جوانی ما پنجشنبه و جمعه‌ای بر ما نگذشت مگر این که با دوستان، جلسه‌ی آنسی تشکیل بدهیم و به خارج از قم و بیش‌تر به سوی جمران برویم. در فصل برف و باران در خود حجره به برنامه‌ی آنسی مشغول می‌شدیم»<sup>۱</sup>.

پس چه زیباست ما نیز با دوستان خود جلسات آنسی داشته باشیم.

پیامبر شیرین سخن ما می‌فرمایند:  
 بهترین مؤمنان کسی است که مایه‌ی اَلْفِتِ مؤمنان باشد. کسی که نه با دیگران اَنَس و اَلْفِت می‌گیرد و نه دیگران با او اَنَس و اَلْفِت می‌گیرند، در او خیری نیست.<sup>۲</sup>

امید است به زودی در خانه‌ها، محله‌ها و جای جای کشورمان جلسات اَنَس با معارف و احکام دین برپا کنیم و از روحانیان و افراد تحصیل کرده، خوش ذوق و وفادار به دین دعوت کنیم تا به فعالیت‌های ما محور و جهت بدهند و خود نیز بکوشیم در این جلسات، فرد فعال و کوشایی باشیم.

اسلام برای تمام زوایای زندگی ما حرف دارد؛

۱- نقل از امام در سنگر نماز، صفحه‌ی ۱۶.

۲- میزان الحکمه، جلد ۱، صفحه‌ی ۹۴، حدیث ۶۵۵.

اسلام، دین زندگی است.

این گونه نیست که کسی گمان کند، دین یک رشته مراسم عبادی چون نماز و روزه و حج است و به سایر ابعاد زندگی ما توجهی نکرده است.

نه، دین برای همه‌ی زندگی ما، قدم به قدم، احکامی حکیمانه و روح بخش دارد.

دین برای زیباسازی زندگانی در همه‌ی زمینه‌ها طرح و برنامه دارد؛ برای دوستی‌ها و رابطه‌ها، برای دشمنی‌ها و قطع رابطه‌ها، برای پذیرفتن‌ها و نپذیرفتن‌ها، برای تشکیل زندگی و اداره‌ی صحیح آن، برای زیبایی و طراوت جسم و جان و برای همه چیز.

و تو ای سرو زیبا و راست قامت

تو از پسران آفتابی!

چون آفتاب به فکر دوستان و همسالان خود نیز

باش!

کوچه باغ زندگی‌ات پُر از مهر و صفا باد!

## ادبِ مجالس

- پیامبر خدا در مجلسی نمی‌نشست و بر نمی‌خواست مگر با یاد خدا.
- چون داخل مجلس می‌شد، در آخر مجلس که خالی بود، می‌نشست.
- مجلس او مجلس بردباری، حیا، راستی و امانت بود و صداها در آن بلند نمی‌شد، بد کسی در آن گفته نمی‌شد.
- همه با یکدیگر در مقام عدالت و انصاف و احسان بودند و یکدیگر را به تقوا و پرهیزگاری سفارش می‌کردند و نسبت به هم فروتن بودند.
- و اگر خطایی از کسی سر می‌زد برای دیگران نقل نمی‌کردند و...<sup>۱</sup>

## منابع کتاب

کتاب «پسران آفتاب» از منابعی بهره گرفته است که عمده‌ی آن‌ها در پی خواهد آمد. شما نیز می‌توانید با مطالعه‌ی برخی از این کتاب‌ها بر میزان آگاهی خود بیفزایید.

۱- قرآن کریم.

۲- امام در سنگر نماز (تبیان، آثار موضوعی، دفتر هفتم)، ستاد اقامه‌ی نماز و مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره)، چاپ چهارم، ۱۳۷۶.

۳- اولین نمازی که خوانده‌ام (مجموعه خاطرات برگزیده‌ی دانش‌آموزان)، به اهتمام «حمیدرضا کفاش»، انتشارات مدرسه، چاپ دوم، ۱۳۷۸.

۴- بوی بال فرشته (مجموعه شعر نماز)، هدی رَشاد، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۴.

۵- پرسش‌های نوجوانان و جوانان پیرامون نماز، گودرز نجفی، نشر عابد، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۶- جوانان از دیدگاه امام خمینی (ره) (تبیان، دفتر شانزدهم)، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) با همکاری دبیرخانه‌ی شورای عالی

جوانان، چاپ پنجم ۱۳۷۸.

۷- چرا نماز بخوانیم، امیر رجبی، ستاد اقامه‌ی

نماز، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۸- راز نماز (برای جوانان)، تهیه: محسن قرائتی،

تدوین: جواد محدثی، ستاد اقامه‌ی نماز، چاپ

چهاردهم، ۱۳۷۴.

۹- راهنمای فتاوا (برخی از تفاوت‌های فتاوی

آیه الله العظمی امام خمینی (ره) و مقام معظم

رهبری آیه الله العظمی خامنه‌ای)، تدوین: محمد

حسین فلاح زاده، نشر معروف، چاپ هفتم، ۱۳۸۱.

۱۰- رساله‌ی اجوبة الاستفتاءات (ترجمه‌ی

فارسی) مرجع عالیقدر جهان تشیع حضرت آیت الله

العظمی حاج سید علی خامنه‌ای (دام ظلّه العالی)

انتشارات بین المللی الهدی، چاپ چهارم، ۱۳۸۲.

۱۱- روزه درمان بیماری‌های روح و جسم، سید

حسین موسوی راد لاهیجی، دفتر انتشارات اسلامی

وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه قم،

چاپ شانزدهم، ۱۳۷۸.

۱۲- سیری در سیره‌ی نبوی، متفکر شهید استاد

مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، چاپ دهم، ۱۳۷۱.

۱۳- مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید

(جلد ۱)، تهیه و تنظیم: سید محسن محمودی،

انتشارات ناصر، چاپ سوم، ۱۳۷۹

۱۴- مستدرک الوسائل، حاج میرزا حسین نوری



طبرسی، مؤسسه‌ی آل‌البیت علیهم‌السلام، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.

۱۵- مُنتهی‌الآمال (زندگانی چهارده معصوم علیهم‌السلام) حاج شیخ عباس قمی، مطبوعاتی حسینی، ۱۳۷۴.

۱۶- من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، انتشارات امام‌المهدی، چاپ چهارم، ۱۳۷۷ ق.

۱۷- میزان‌الحکمه، محمد محمدی ری‌شهری، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۱۸- نهج‌البلاغه‌ی امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب، تحقیق، دکتر صُبحی صالح، مؤسسه‌ی دارالهجرة، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.

۱۹- وسائل‌الشیعه، شیخ خُرّ عاملی، داراحیاء التراث‌العربی، چاپ ششم، ۱۴۱۲ ق.

## بر ساحل سپاس!

خدایا، چگونه تو را سپاس گویم؟ سپاس به خاطر  
بیکران تا بیکران نعمت‌هایی که به من عطا کرده‌ای  
سپاس به خاطر توفیق آشنایی با احکام و دستورها و  
برنامه‌های زیبا و حیات بخش که به من ارزانی  
داشته‌ای.

خدایا «باز می‌خواهم که پَر گیرم ز عشق  
باز می‌خواهم که جان گیرم ز شور

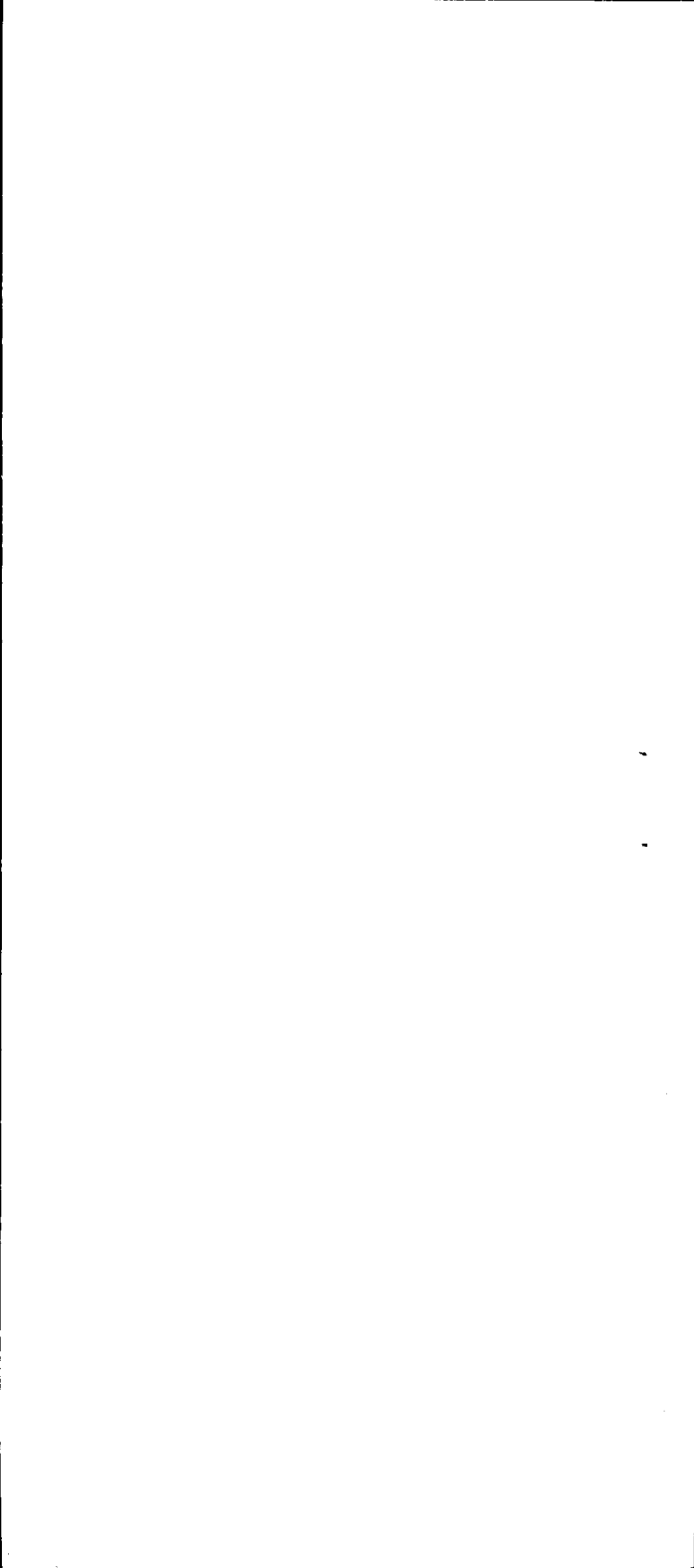
لحظه‌های درد را پس می‌زنم  
می‌روم تا بشکنم سدّ غرور

می‌نشینم رو به روی عاطفه  
خویش را محو نگاهت می‌کنم

مثل شبنم در قیام لاله‌ها  
عمر را وقف پگاهت می‌کنم»<sup>۱</sup>

---

۱- شعر از: وحید سادات حسینی (با اندکی تغییر)، بوی بال فرشته،  
صفحه‌ی ۹۴ و ۹۵.





مؤسسه فرهنگی  
مصادی تریبیت



وزارت  
آموزش و پرورش  
و عالی

وزارت آموزش و پرورش  
معاونت پرورشی و فرهنگی  
اداره کل قرآن، عترت و نماز

ستاد اقامه نماز وزارت آموزش و پرورش

اداره کل قرآن، عترت و نماز